

سال پانزدهم
شماره ۳۶۵۹
دوشنبه
۱۸ اسد ۱۴۰۰
۹ اگست ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

آن گونه که یاری می کنی
یاری می شوی

بنیاد رحمانی
رحمانی بنسپ

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

محصولات بانکداری اسلامی

- حساب جاری الودیعہ
- حساب مضاربت پس انداز
- حساب مضاربت میعاد

تمویل مالی اسلامی

- بیع مرابحه
- مشارکه متناقصه
- ضمانت نامه ها و اعتبار نامه های اسلامی

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید

+93 (0) 202 101 111 | www.ghazanfarbank.com

گسترش دامنه درگیریها؛

آواره گی ۵۷ هزار خانواده و توقف امداد رسانی در پنج ولایت

۳

تداوم جنگ؛

مناطق در حومه شهر هرات میان طالبان و حکومت دست به دست شد

در ادامه نبردهای شدید میان طالبان و نیروهای حکومتی در حومه شهر هرات، جنگ میان دو طرف شدت بیش تری گرفت و برخی مناطق مسکونی در اطراف شهر هرات، روز یکشنبه میان طالبان و نیروهای حکومتی دست به دست شد. حملات گسترده هوایی و زمینی حکومت از بامداد یکشنبه در بخش هایی از شهر هرات آغاز شد و هراتیان صبح خود را با صدای انفجار و جنگ آغاز کردند. نیروهای کماندو نیز حملات زمینی را بر مواضع طالبان شدت بخشیدند. مناطق جنوب و غرب هرات از جمله قفسلان، «سه پلکها» و بخش هایی از منطقه کارته، گواه نبردهای شدید میان طالبان و نیروهای امنیتی بود. برخی ساکنان محل روایت می کنند که در جریان درگیری های روز یکشنبه، شماری از خانه های مسکونی ویران شده است.

۳

با هم بسته گی حکومت و مردم وضعیت تغییر می کند

من به عنوان وزیر امور داخله، رنج و درد تحمیل شده از جانب طالبان تروریست بر شما را کاملاً درک می کنم. سیل عظیم بی جا شده گان داخلی به دلیل جنگ، رها کردن مزارع و خانه ها و تلاش برای جابه جا شدن در شهرها برای فرار از جنایت تاریک اندیشان، نگرانی فزاینده تان نسبت به آینده اطفال تان، بلند رفتن قیمت ها و نگرانی تان از حاکم شدن سیاهی دوران جاهلیت بر ابعاد مختلف زندگی تان را به خوبی درک می کنم...

۴

رییس جمهور امریکا:

اکنون زمان رهبری و اراده برای مواجهه با تجاوز طالبان است

۸ صبح، کابل: سفارت امریکا در کابل به نقل از سخنگوی کاخ سفید در توییتی نوشته است که جو بایدن، رییس جمهور این کشور گفته است که دولت افغانستان امکانات و نیروی نظامی در اختیار دارد و اکنون زمان رهبری و اراده برای مقابله با تجاوز گروه طالبان است. این سفارت روز یکشنبه، هفدهم اسد، به نقل از جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید، در توییتی نوشت: «بایدن احساس می کند و گفته است که دولت و نیروهای امنیتی افغانستان آموزش، تجهیزات و نیروی کافی را در اختیار دارند و

طوفان عمری، خبرنگار سابق روزنامه ۸ صبح و سارنوال زندان بگرام، در کابل ترور شد

۸ صبح، کابل: طوفان عمری، سارنوال مبارزه با جرایم امنیت داخلی و خارجی مرکز عدلی زندان بگرام و خبرنگار سابق روزنامه ۸ صبح در ولسوالی دهسبز ولایت کابل ترور شده است. جمشید رسولی، سخنگوی لوی سارنوالی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این حادثه روز یکشنبه، هفدهم اسد، در مربوطات ولسوالی دهسبز اتفاق افتاده است. به گفته رسولی، طوفان عمری در زندان بگرام وظیفه اجرا می کرد و در هنگام بازگشت به کابل در ولسوالی دهسبز کابل در یک حمله «تروریستی» کشته شده است. طوفان عمری پیش از این به عنوان خبرنگار روزنامه ۸ صبح در ولایت پکتیا و حوزه جنوب شرق کشور کار می کرد. او هم چنان مسوول رادیو صدای پکتیا (پکتیا غز) نیز بود. مسوولیت کشتن طوفان عمری را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است. پیش تر زحل پشتون یار، برادر طوفان عمری که او نیز مسوولیت رادیو صدای پکتیا را بر عهده داشت، ترور شده بود.

#آریانا از شماست

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

کابل - استانبول

هر سه شنبه و جمعه

پرواز مستقیم با طیاره ایربس A310

flyariana.official | +93 (0) 790 07 1333 | 1333
flyariana.com | Ariana Afghan Airlines



مردم افغانستان در آتش جنگ می سوزند

جنگ در افغانستان شدت بی‌پیشینه‌ای یافته است. در هژده ولایت جنگ است. تاکنون بیش از هزار غیرنظامی در این جنگ کشته شده، هزاران تن دیگر بی‌خانمان و آواره شده‌اند و روند مرگ‌ومیر مردم ملکی ادامه دارد. مناطق مسکونی و بازارها و دکان‌های مردم در آتش جنگ می‌سوزد. مردم از مناطق جنگی به گونه سیل آسا به مناطق امن‌تر در حال فرار هستند. مردم بی‌جاشده با کمبود شدید مواد اولیه و سرپناه روبه‌رو شده‌اند و اگر اقدام جدی در جهت توقف این جنگ و برانگیز از جانب کشورهای مهم جهان نشود، فاجعه بزرگ انسانی و حقوق بشری در افغانستان به پیمانانه غیرقابل وصفی رخ خواهد داد.

وخامت اوضاع به حدی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل جلسه ویژه داد و فرستاده ویژه این سازمان برای افغانستان از «سوریه‌ای شدن افغانستان» در این جلسه سخن گفت.

با وجود درخواست فوری توقف جنگ و توصیه به بازگشت طالبان به میز مذاکره؛ اما هیچ‌گونه تمایلی از جانب این گروه برای دست کشیدن از جنگ و بازگشت به میز مذاکره دیده نمی‌شود.

طالبان در تازه‌ترین دور جنگ و خشونت‌ها به ولایت‌های کندز، بدخشان، تخار و جوزجان یورش برده‌اند و جنگ سختی در این ولایت‌ها میان نیروهای امنیتی با همکاری خیزش‌های مردمی و طالبان در جریان است. بدون شک نتیجه این جنگ‌ها مرگ‌ومیر بیش‌تر افراد ملکی، موج تازه بی‌جاشده‌گان داخلی و محرومیت گسترده مردم از حقوق اولیه‌شان است.

با وجود موضع‌گیری‌های کشورهای مهم جهان، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا برای توقف خشونت‌ها و هم‌چنان با ازسرگیری حملات هوایی آمریکایی‌ها بر مواضع طالبان، این گروه هنوز به خواست جهان و آمریکا وقعی نگذاشته و بر شهرهای بیش‌تر در حال انجام حملات است.

این حملات در کنار آن‌که پیامدهای وسیع و فاجعه‌بار انسانی در پی دارد، وجهه آمریکا را به عنوان کشوری که روند مذاکرات صلح را مدیریت می‌کرد و هم‌چنان به خاطر اعلام خروج ناپهنگام نیروهایش از افغانستان، خدشه‌دار ساخته است.

اداره رییس جمهور بایدن بدون هیچ دوراندیشی و پدیدار شدن نیت واقعی صلح از جانب طالبان و بدون مشورت با حکومت افغانستان، تصمیم به خروج کامل نیروهایش از این کشور گرفت. این خروج ناپهنگام خالهای جدی امنیتی را در افغانستان به وجود آورده است.

قطع شدن ناگهانی حمایت‌های هوایی و لوژستیک از نیروهای امنیتی افغانستان، خلای بزرگی را ایجاد کرد که پیامدهایش را مردم این سرزمین به وضوح در خطوط نبرد حس می‌کنند.

اداره ترمپ با دادن مشروعیت و فضای بی‌پیشینه به طالبان، آن‌ها را در جایگاه یک گروه مشروع سیاسی قرار داد و حس پیروزی را به آن‌ها به ارمغان آورد. برخورد ناسنجیده با حکومت افغانستان و تنها گذاشتن آن در میدان‌های جنگ، باعث شد که طالبان فکر کنند که جهان حضور آن‌ها را بدون قیدوشرط به رسمیت شناخته است.

این برخورد ناسنجیده اینک تمام دستاوردهای مشترک جهان و مردم افغانستان را با خطر روبه‌رو کرده است. هرچند اعلام حمایت هوایی آمریکایی‌ها از نیروهای امنیتی می‌تواند برای متقاعد کردن طالبان برای بازگشت به میز مذاکرات عامل مهمی باشد؛ اما این اقدام و اقداماتی مانند خروج باید پا به پای تعهد طالبان برای رسیدن به آتش‌بس دایمی و ادامه مذاکرات معنادار صلح عملی می‌شد. برخوردهای ناشیانه و شتاب‌زده همکاران بین‌المللی افغانستان، اینک این کشور را در وضعیت وخیمی قرار داده است.

پیامدهای انسانی جنگ افغانستان ترسناک است. مردم بدون دسترسی به کوچک‌ترین کمک در میدان‌های جنگ در بی‌سرنوشتی رها شده‌اند. مردم افغانستان با حضور در میدان‌های جنگ در قالب خیزش‌های مردمی نشان داده‌اند که می‌خواهند از نظام و دستاوردهای دو دهه اخیر دفاع کنند. جهان مکلف است که در چنین شرایطی مردم افغانستان را تنها نگذارد و از ابزارهای موثر برای توقف جنگ طالبان استفاده و آن‌ها را از طریق فشارهای معنادار وادار به بازگشت به میز مذاکره کند.

برای رسیدن به چنین شرایطی، لازم است تا تلاش‌های جدی دیپلماتیک در سطح منطقه و کشورهای اثرگذار بر طالبان از سر گرفته شود. در کنار آن باید جهان برای کمک‌رسانی به مردمی که در اثر جنگ‌ها دار و ندارشان را از دست داده‌اند، آماده شود.

جنگ افغانستان تنها جنگ مردم این کشور نیست. این جنگ باید با تلاش‌های جهانی پایان یابد و طالبان وادار شوند تا حملات‌شان بر شهرها را متوقف و از طریق گفت‌وگو برای خود در افغانستان فرصت‌هایی را جست‌وجو کنند.

امریکا به طالبان: ادامه حملات، شما را به مشروعیت بین‌المللی نمی‌رساند



۸صبح، کابل: سفارت امریکا در کابل اعلام کرده است که اگر طالبان مشروعیت بین‌المللی می‌خواهند، ادامه حملات به شهرها آن‌ها را به این هدف نمی‌رساند.

سفارت امریکا این مطلب را روز یکشنبه، هفدهم اسد در تویییتی مطرح کرده است. این سفارت افزوده است که اگر طالبان ادعا می‌کنند که به دنبال مشروعیت بین‌المللی هستند، ادامه حملات و افزایش خشونت‌ها آنان را به مشروعیت مورد نظرشان نزدیک نمی‌کند.

به گفته این سفارت، گروه طالبان در عوض ادامه افزایش خشونت‌ها، حملات و ادامه کارزار نظامی، انرژی‌شان را صرف روند صلح کند. سفارت امریکا حملات طالبان و تصرف مراکز برخی از ولایت‌ها از سوی این گروه را محکوم کرده است. این سفارت حمله طالبان به شهرها را مغایر تعهدات این گروه به روند صلح و مذاکرات دوحه خوانده است.

طالبان حملات به شهرها را افزایش داده‌اند. چند شهر کشور شاهد حملات طالبان است. به همین ترتیب گروه طالبان مراکز برخی از ولایت‌ها را تصرف کرده است.

نزدیک به دو میلیون نفر در کشور واکسین شده‌اند



۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه کشور اعلام کرد که تاکنون ۱.۸ میلیون تن در افغانستان واکسین کرونا دریافت کرده‌اند.

دستگیر نظری، سخنگوی وزارت صحت عامه، روز یکشنبه، هفدهم اسد، به روزنامه ۸صبح گفت که تاکنون دست کم ۱.۸ میلیون تن از شهروندان ملکی افغانستان واکسین کرونا دریافت کرده‌اند. به گفته نظری، در حال حاضر افغانستان ۵.۱ میلیون دوز واکسین در اختیار دارد که شامل واکسین استرازنکای هندی و جانسون اند

افغانستان تعهدنامه بین‌المللی شفافیت مبارزه با فساد اداری را امضا کرد



۸صبح، کابل: کمیسیون مبارزه با فساد اداری کشور سند تعهد شفافیت مبارزه با فساد اداری را با کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد امضا کرده است.

عبدالقیوم نظامی، رییس کمیسیون مبارزه با فساد اداری، روز یکشنبه، هفدهم اسد، سند تعهد شفافیت مبارزه با فساد اداری را امضا کرد. بر بنیاد این سند، حکومت افغانستان به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد اداری تعهد سپرد که در امر مبارزه با فساد اداری در کشور با شفافیت عمل می‌کند و جامعه مدنی را در جریان این روند قرار می‌دهد.

نظامی در نشست خبری کمیسیون مبارزه با فساد اداری گفت که انعکاس تلاش‌های مبارزه با فساد در ادارات کشور در گزارش‌های بین‌المللی نشان‌دهنده قناعت جامعه جهانی از عمل کرد دولت

در امر مبارزه با فساد اداری در افغانستان است. فرخ‌لقا اونچی زاده، معاون کمیسیون مبارزه با فساد اداری، تصریح کرده است که امضای این تعهدنامه دولت افغانستان را مکلف می‌کند تا برنامه و چهارچوب زمانی کامل پروسه ارزیابی خودی‌اش را در امر مبارزه با فساد با جامعه مدنی و مردم در میان بگذارد.

سند تعهد شفافیت از طرف ائتلاف جهانی برای تطبیق کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد به کمیسیون مبارزه با فساد اداری فرستاده شده است. تا کنون ۲۷ کشور جهان این تعهدنامه را امضا کرده‌اند.

این ائتلاف جهانی برای نظارت از تطبیق کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل تلاش می‌کند و دفتر مرکزی آن در وینا است.

جنگ در ۱۸ ولایت؛ وزارت دفاع از کشته‌شدن ۵۷۲ جنگ‌جوی طالبان خبر داد

۸صبح، کابل: وزارت دفاع ملی روز یکشنبه، هفدهم اسد، اعلام کرد که در شبانه‌روز گذشته در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی در ۱۸ ولایت کشور دست کم ۵۷۲ جنگ‌جوی طالبان کشته شده‌اند.

طبق اعلام وزارت دفاع، در نتیجه درگیری‌ها و حملات متقابل نیروهای امنیتی، دست کم ۳۰۹ طالب دیگر زخم برداشته‌اند.

این شمار از طالبان در ولایت‌های ننگرهار، لغمان، غزنی، پکتیا، پکتیکا، قندهار، ارزگان، هرات، فراه، جوزجان، سرپل، فاریاب، هلمند، نیمروز، تخار، کندز، بدخشان و کاپیسا کشته و زخمی شده‌اند.

طبق اعلام وزارت دفاع ملی مقدار زیاد سلاح و مهمات گروه طالبان از بین رفته است.

گروه طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

طالبان در شبانه‌روز گذشته حملات خود را به شماری از شهرهای کشور افزایش داده‌اند. این گروه مدعی تصرف مراکز ولایت‌های جوزجان، سرپل، کندز و نیمروز است.

انفجار ماین در پکتیا جان ۱۲ عضو یک خانواده را گرفت

۸صبح، کابل: پولیس پکتیا اعلام کرد که در نتیجه انفجار ماین جاسازی شده طالبان در کنار جاده در ولسوالی سیدکرم پکتیا ۱۲ عضو یک خانواده کشته و دو عضو دیگر این خانواده زخمی شده‌اند.

حیات‌الله نظامی احمدزی، سخنگوی فرماندهی پولیس پکتیا، روز یکشنبه، هفدهم اسد، گفت که این ماین شبانه‌شب گذشته (۱۶ اسد) در منطقه چنیه ولسوالی سیدکرم ولایت پکتیا انفجار کرده است.

این ماین یک موتر نوع سراچه را هدف قرار داده است.

نظامی گفت که به شمول زنان و کودکان در این انفجار ۱۲ نفر کشته و دو تن دیگر زخمی شده‌اند.

سخنگوی پولیس پکتیا گفت که این ماین در مسیر رفت‌وآمد مردم در شاهراه جاسازی شده بود.

گروه طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

انفجار ماین‌های کنار جاده‌ای در ولایت پکتیا همواره از غیرنظامیان قربانی گرفته است. استفاده از این نوع سلاح در جنگ افغانستان از سوی نهادهای حقوق بشری از جمله دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد یا یوناما، جنایت جنگی خوانده شده است.

امریکا: تصرف مراکز ولایات توسط طالبان، مغایر ادعای تعهد این گروه به راه حل سیاسی است

۸صبح، کابل: سفارت امریکا تصرف مراکز ولایت‌ها و حملات طالبان به شهرها را محکوم کرد.

این سفارت با نشر اعلامیه‌ای گفته است که تصرف «غیرقانونی» مرکز شهرها از سوی گروه طالبان و تحمیل اجباری حاکمیت بر مردم افغانستان، خلاف ادعای این گروه مبنی بر تعهد به راه حل سیاسی است.

در اعلامیه سفارت امریکا که روز شنبه، شانزدهم اسد، نشر شد، آمده است که این اقدامات طالبان به منظور تحمیل اجباری حاکمیت‌شان غیرقابل قبول است و با ادعای این گروه مبنی بر حمایت از راه حل سیاسی و مذاکرات صلح دوحه، مغایرت دارد.

سفارت امریکا گفته است که گروه طالبان نسبت به رفاه و حقوق غیرنظامیان عمیقاً بی‌اعتنا هستند و بحران بشری در افغانستان را افزایش داده‌اند.

این سفارت هم‌چنان حملات گروه طالبان را بر شهر زرنج، مرکز نیمروز، شهر شیرخان، مرکز جوزجان و نیز تلاش‌های این گروه برای تصرف لشکرگاه مرکز ولایت هلمند را خشونت‌بار خوانده است.

آواره‌گی ۵۷ هزار خانواده و توقف امداد رسانی در پنج ولایت



عبدالحمید حسینی

شدت گرفتن جنگ و گسترش دامنه آن به شهرها، میزان آواره‌گان را افزایش داده است. براساس اطلاعات وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان، تنها در پنج ماه گذشته، ۵۷ هزار خانواده به

دلیل شدت گرفتن جنگ و خشونت از سوی طالبان، آواره شده‌اند. مسوولان این وزارت تأکید دارند که ممکن است شمار بی‌جا شده‌گان بیش از این باشد و به دلیل جنگ از ثبت باز مانده باشد. به هر حال بیش‌تر خانواده‌های بی‌جا شده به کمک فوری نیاز دارند. هرچند وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان به شماری از خانواده‌ها کمک فراهم کرده، اما با گسترش دامنه جنگ، این روند با چالش مواجه شده است. مسوولان در وزارت مهاجرین می‌افزایند که با کشیده شدن دامنه جنگ به داخل چند شهر، فعالیت نهادهای مدد رسانی نیز متوقف شده است. در حال حاضر طالبان در مراکز ولایت‌های نیمروز، هلمند، کندز، جوزجان و تخار حضور دارند و فعالیت نهادهای کمک‌رسان به بی‌جا شده‌گان در این ولایات به تعلیق آمده است. از سوی دیگر شماری از خانواده‌هایی که به دلیل جنگ مناطق شان را ترک کرده‌اند، می‌گویند که در وضعیت بدی به سر می‌برند و نهادهای ذی‌ربط باید به وضعیت‌شان رسیدگی کنند.

گروه طالبان با شروع سال نو خورشیدی، حملاتش بر بخش‌هایی از کشور را شدت بخشید. این امر با خروج نیروهای خارجی از کشور بیش‌تر شد و تبعات جبران‌ناپذیری در پی آورد. شماری از خانواده‌ها صرف نظر از اموال و دارایی‌های شان، مناطق اصلی‌شان را ترک کرده و برای حفظ جان‌شان به مناطق امن پناه برده‌اند. وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان می‌گویند که از ماه حمل تا اکنون، ۵۷ هزار خانواده مناطق شان را ترک کرده و به مناطق امن‌تر مسکن گزیده‌اند.

رضا باهر، معاون سخنگوی وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان، به روزنامه ۸صبح گفت که با حملات طالبان بر ولسوالی‌ها و شهرها، خانواده‌ها مناطق شان را ترک کرده و به جاهایی که دولت حاکمیت داشته و نسبتاً امن بوده است، پناه برده‌اند. به گفته او، این آمار در چند ماه اخیر که حملات طالبان بیش‌تر شده و دامنه جنگ به داخل شهرها گسترش یافته، سیر صعودی به خود گرفته است. براساس معلومات باهر، تنها در پانزده روز گذشته، پنج هزار و ۳۰۰ خانواده از مناطق اصلی‌شان بی‌جا شده و به نقاط امن کشور مسکن گزیده‌اند. طبق آمار می‌گویند که معاون سخنگوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان در اختیار روزنامه ۸صبح قرار داد، تنها در پنج ماه گذشته ۵۷ هزار خانواده به دلیل جنگ و خشونت از مناطق شان آواره شده‌اند.

این آمار نهایی نیست و به گفته باهر، ممکن است شمار بی‌جا شده‌گان بیش‌تر از این باشد؛ زیرا در مناطقی که جنگ شدت گرفته، امکان ثبت و سروی برای کارمندان وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان نیست. به‌عنوان مثال، طالبان از چند روز به این سو بر شهر شبرغان، مرکز جوزجان، حمله کرده‌اند

و تمام ادارات در این ولایت تعطیل است. در ضمن ریاست مهاجرین این ولایت نتوانسته است در هفته اخیر، بی‌جا شده‌گان را ثبت و سروی کند. به گفته مسوولان ریاست مهاجرین جوزجان، در یک هفته اخیر که حملات طالبان شدت گرفته است، باشندگان خانه‌های شان را ترک کرده و برای حفظ جان‌شان به مناطق امن پناه برده‌اند. این وضعیت در چندین ولایت دیگر نیز حاکم است. طبق اطلاعات، در حال حاضر بیش‌تر ساحات ولایت‌های کندز، هلمند، تخار و سرپل در اختیار طالبان است. در این ولایات آرایه خدمات عامه تعطیل است و باشندگان آن با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

با این حال، بیش‌تر خانواده‌هایی که از مناطق شان بی‌جا شده‌اند، به کمک فوری نیاز دارند. باهر بیان کرد که از اول ماه حمل تا کنون به ده‌ها هزار خانواده کمک فراهم شده است. او اما از گسترش دامنه جنگ به مراکز شهر ابراز نگرانی کرد و افزود که این مهم سبب شده است روند کمک‌رسانی موسسات به حالت تعلیق درآید. به گفته او هم اکنون نهادهای کمک‌رسان فعالیت‌شان را در ولایت‌های هلمند، کندز، جوزجان، تخار و سرپل به دلیل حملات تهاجمی



طالبان متوقف کرده‌اند. گفتنی است که در حال حاضر نهادهایی چون سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، کمیساریای عالی سازمان پناهنده‌گان ملل متحد (UNHCR)، پروگرام غذایی جهان (WFP) و برخی دیگر از نهاد به بی‌جا شده‌گان کمک می‌کنند و وزارت مهاجرین در نقش هماهنگ‌کننده و ناظر عمل می‌کند.

در همین حال شماری از خانواده‌های بی‌جا شده می‌گویند که در وضعیت بدی به سر می‌برند. به گفته آنان، در شرایطی که به سرپناه و غذا نیاز دارند، نهادهای ذی‌ربط باید دست یاری دراز کنند و به بی‌جا شده‌گان ناشی از جنگ کمک کنند. تاج‌ور، از آواره‌گان جنگ ولسوالی قیصر فاریاب است که با خانواده‌اش به ولایت بلخ پناه برده است. او می‌گوید که سه پسر جوان، شوهر، برادر و مامای خود را در جنگ از دست داده است و اکنون نان‌آور خانواده هشت‌نفره‌اش است. تاج‌ور می‌گوید که تاکنون کدام نهاد مشخصی به آنان کمک نکرده و تنها برخی از ادارات دولتی مقداری مواد اولیه کمک کرده‌اند. او از دولت و نهادهای ذی‌ربط می‌خواهد که به وضعیت بی‌جا شده‌گان رسیدگی کنند.

فرهاد، از باشندگان غزنی است. او نیز به دلیل جنگ و خشونت طالبان با خانواده‌اش به کابل پناه آورده و در یک خانه کرایه‌ی زنده‌گی می‌کند. او می‌گوید که تمام داروندارش را از دست داده و اکنون با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. به گفته او، در حال حاضر به‌سختی می‌تواند مایحتاج زنده‌گی‌اش را تأمین کند. او از دولت می‌خواهد که به وضعیت‌شان رسیدگی کند و نیز زمینه بازگشت‌شان را فراهم سازد.

گفتنی است که در حال حاضر در بیش‌تر ولایات فصل برداشت محصولات زراعتی است. طبق معلومات، شمار بیش‌تری از خانواده‌ها بدون در نظر داشت این مسایل، خانه و کاشانه‌شان را ترک کرده‌اند و اکنون این محصولات در حال نابودی است.

پیش از این کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز با نشر گزارشی گفته بود که میزان بی‌جا شده‌گان ناشی از جنگ در سال جاری افزایش یافته است. طبق بررسی‌های این کمیسیون، در شش ماه اخیر ۶۲ هزار و ۴۸۰ خانواده به دلیل ادامه جنگ و خشونت از سوی گروه طالبان، آواره شده‌اند.

تداوم جنگ؛

مناطق در حومه شهر هرات میان طالبان و حکومت دست‌به‌دست شد



۸صبح، هرات

در ادامه نبردهای شدید میان طالبان و نیروهای حکومتی در حومه شهر هرات، جنگ میان دو طرف شدت بیش‌تری گرفت و برخی مناطق مسکونی در اطراف شهر هرات، روز یکشنبه میان طالبان و نیروهای حکومتی دست‌به‌دست شد.

حملات گسترده هوایی و زمینی حکومت از بامداد یکشنبه در بخش‌هایی از شهر هرات آغاز شد و هراتیان صبح خود را با صدای انفجار و جنگ آغاز کردند. نیروهای کماتندو نیز حملات زمینی را بر مواضع طالبان شدت بخشیدند.

مناطق جنوب و غرب هرات از جمله قفسلان، «سه‌پلک‌ها» و بخش‌هایی از منطقه کارته، گواه نبردهای شدید میان طالبان و نیروهای امنیتی بود. برخی ساکنان محل روایت می‌کنند که در جریان درگیری‌های روز یکشنبه، شماری از خانه‌های مسکونی ویران شده است.

با شدت گرفتن حملات هوایی و زمینی نیروهای حکومتی در حومه شهر هرات، طالبان از مناطق

شب گذشته تلفات سنگین به دشمن وارد کرد؛ این نشان می‌دهد که با قاطعیت از شهر دفاع شده است.» مقام‌های محلی پافشاری دارند که نیروهای امنیتی عملیات خود را با احتیاط به پیش می‌برند تا از وارد شدن خسارت و تلفات به مردم جلوگیری شود؛ اما برخی ساکنان حومه شهر هرات، به‌ویژه مناطق آسیاکلوخی و روستاهای غرب شهر، ادعا دارند که در حملات هوایی ارتش، خانه‌های مسکونی ویران شده است.

هم‌زمان با این، در حالی که پیش از این گفته شده بود گلبدین الکوزی، فرمانده پیشین لوی سرحدی ارتش در هرات قرار است به‌عنوان فرمانده قول‌اردوی ۲۰۷ ظفر مقرر شود، اما او به‌تازگی به‌عنوان معاون مالی و اداری ولایت هرات گماشته شد و کارش را رسماً آغاز کرد. گلبدین الکوزی از کادرهای هرات است و پس از برکناری از لوی سرحدی ارتش در این ولایت، به‌عنوان فرمانده نیروهای سرحدی در شرق کشور گماشته شد؛ اما با شدت گرفتن نبردها در حومه شهر هرات، چند روز قبل با معین ارشد امنیتی وزارت داخله به هرات سفر کرد.

هرچند گماشته شدن یک چهره نظامی به‌عنوان معاون مالی و اداری ولایت هرات انتقادهایی به همراه داشت، اما تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی نشر شد، نشان می‌دهد او در خط نخست نبرد با محمداسماعیل خان دیدار و در پیوند به تقویت خطوط دفاعی هرات گفت‌وگو کرده است.

در همین حال شماری از نماینده‌گان هرات در مجلس نماینده‌گان روز یکشنبه با امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری، در پیوند به وضعیت امنیتی هرات دیدار و گفت‌وگو کردند. گفته می‌شود معاون اول ریاست جمهوری در این نشست وعده سپرده که امکانات جنگی و مهمات، طی روزهای آینده به هرات ارسال می‌شود.

با تداوم نبردهای شدید در حومه شهر هرات، جنگ در این شهر وارد دوازدهمین روز خود شد. نگرانی اصلی مردم، فرسایشی شدن نبردها و آسیب رسیدن بیش‌تر به غیرنظامیان است؛ افرادی که جنگ مجبورشان کرد خانه و کاشانه خود را رها کنند و برای زنده ماندن به مناطق مرکزی شهر هرات آواره شوند.

به‌گونه نیمه‌تعطیل درآمد.

در حالی که روز یکشنبه حملات هوایی و زمینی حکومت در هرات افزایش یافت، اما روز شنبه، شانزدهم اسد، مقام‌های ارشد ملکی و نظامی این ولایت در یک نشست خبری، از بهبود وضعیت امنیتی و کاهش شدت جنگ در میدان‌های نبرد خبر دادند. عبدالصبور قانع، والی هرات، سیدمعراج‌الدین سادات، فرمانده پولیس هرات و حبیب‌الله صدیقی، رئیس امنیت ملی هرات، در جریان این نشست خبری در پیوند به وضعیت امنیتی معلومات آرایه کردند. والی هرات در این نشست خبری تأکید کرد که طی شبانه‌روز گذشته تحرکات و حملات طالبان به‌شدت کاهش یافته و نیروهای حکومتی جلو تحرکات بیش‌تر طالبان را گرفته‌اند. به گفته او، نیروهای امنیتی عملیات‌های هدف‌مند خود را به خاطر از بین بردن «عوامل تروریستی» آغاز کرده و ابتکار عمل در دست نیروهای امنیتی و دفاعی است. این مقام ارشد محلی در هرات ادعا کرد که روزهای سخت هرات سپری شده و روال زنده‌گی مردم در این شهر به حالت عادی بازگشته است. از جانب دیگر سیدمعراج‌الدین سادات، فرمانده پولیس هرات، اطمینان داد که نیروهای امنیتی با روحیه بلند «دشمن» را سرکوب می‌کنند و عملیات‌های تصفیه‌ای را ادامه می‌دهند. حبیب‌الله صدیقی، رئیس امنیت ملی هرات، هم ادعا دارد که در جریان یک هفته ۳۰۰ الی ۳۵۰ نیروی طالبان در نبردهای حومه شهر هرات کشته شده‌اند، اما طالبان این آمار را رد کرده و بی‌اساس می‌دانند.

با این‌همه، محمداسماعیل خان، رهبر حرکت مقاومت مردمی حوزه غرب، پافشاری دارد که برخی روستاهای حومه شهر هرات با افزایش حملات نیروهای حکومتی و نیروهای مردمی از حضور نیروهای طالبان پاک‌سازی شده است. وی می‌افزاید: «فکر می‌کنم حملات کاملاً دفع شده و مجاهدین و بخش‌های امنیتی در یکی دو

آسیاکلوخی و قفسلان عقب‌نشینی کردند و نیروهای کماتندو موفق شدند وارد این منطقه شوند؛ اما تنها چند ساعت پس از آن، طالبان دوباره مناطق از دست رفته را تصرف کردند.

عصر روز یکشنبه درگیری میان دو طرف در منطقه کارته به وقوع پیوست. شدت نبردها در این منطقه چنان زیاد بود که برخی ساکنان منطقه بکراباد شهر هرات نیز صدای شلیک گلوله را شنیدند. مناطق حوض کرباس، پایان آب و شال‌باغان در غرب شهر هرات نیز گواه درگیری‌های شدید میان طرف‌های جنگ بود.

در همین حال نیروهای طالبان بامداد یکشنبه بر پاسگاه نیروهای امنیتی در منطقه «فیروزآباد» شهر هرات حمله کردند و برای مدتی با نیروهای پولیس درگیر شدند. منابع محلی می‌گویند که پس از چند دقیقه زدوخورد، با عقب‌نشینی طالبان نبرد در این محل پایان یافت.

با رسیدن دامنه نبردها به منطقه «درب قندهار» شهر هرات، دکان‌ها و بازار این منطقه تعطیل شد و با نشر آوازه حضور طالبان در منطقه درب قندهار، برخی دکان‌های بازار شهر کهنه هرات نیز مسدود شد یا

رضی دولت‌شاهی

در گوشه‌ای از حیاط نشست‌ام، ساعت نزدیک به هشت شب است. با نگاهی به آسمان، می‌بینم که ستاره‌های کمی دیده می‌شوند. دیگر از آن آسمان صاف و زیبای دوران کودکی ما خبری نیست. گرد و غبار، آن سوسوهای زیبای ستاره‌ها و چشمک‌های قشنگ‌شان را از ما گرفته است. وقتی در مکتب درس می‌خواندم، از کتاب‌ها آموخته بودم که ستاره‌ها هم روزی از بین خواهند رفت. به این فکر می‌کنم که امکان دارد آن ستاره‌ها نابود و یا توسط سیاه‌چاله‌ای بلعیده و قربانی برخورد کهکشان‌ها شده باشند. آیا ستاره‌ها هم درگیر جنگ‌اند؟ آیا جنگ سرشت این جهان است؟ این را در شرایطی می‌نویسم که کشورم درگیر جنگ و خشونت است. جنگ‌ها شدت گرفته و خشونت‌ها موج برداشته است؛ دو کلمه‌ای که از همان دوران کودکی، در ذهن ما حک شده است. کلمه‌هایی که هرگز تبدیل به صلح نشد و همه ما را در عالمی از انتظار گذاشته است.

با نگاهی به تاریخ بشر و به جنگ‌ها و خشونت‌هایی که هنوز دامن آن از زنده‌گی ما برداشته نشده است، شاید بتوان گفت که بشر اراده برقراری صلح جهانی را از دست داده است. در آغاز جنگ جهانی اول، بعضی تصور بر این داشتند که شاید این جنگ بتواند زیربنای جامعه بشری را از نو بسازد و نوسانات پیش‌رفت را به پیش براند و یک موج جدیدی به سوی پیش‌رفت و ترقی را به وجود بیاورد؛ به‌گونه‌ای که اچ. جی. ولز گفته بود، این جنگ پایانی برای تمامی جنگ‌ها است. این انتظار خیلی خوش‌بینانه بود؛ زیرا جنگ جهانی اول پایانی برای تمامی جنگ‌ها نه، بلکه مقدمه‌ای برای آغاز جنگ جهانی دوم شد.

با وجود پایان جنگ‌های بزرگ و تشکیل سازمان ملل برای تأمین صلح جهانی، این پدیده شوم هنوز پایان نیافته است. امروزه جنگ بر سر منابع طبیعی و منابع نادر در جهان شعله‌ور است و هنوز هم از بشر قربانی می‌گیرد. بشر با این نابسامانی‌های خونینی که در جامعه خویش برپا می‌کند، در صدد برتری‌جویی و غلبه بر دیگری است. در این درگیری‌ها چه انسان‌هایی کشته می‌شوند و آن‌ها با خود چه داستان‌ها و رمان‌هایی را به زیر خاک می‌برند؛ داستان‌های ناگفته‌ای از زنان و کودکانی که در انتظار بازگشت مردان و پدران‌شان از جبهات جنگ می‌گویند. شاید این داستان‌ها از

جنگ خور و نباحه

د با وجود پایان جنگ‌های بزرگ و تشکیل سازمان ملل برای تأمین صلح جهانی، این پدیده شوم هنوز پایان نیافته است. امروزه جنگ بر سر منابع طبیعی و منابع نادر در جهان شعله‌ور است و هنوز هم از بشر قربانی می‌گیرد. بشر با این نابسامانی‌های خونینی که در جامعه خویش برپا می‌کند، در صدد برتری‌جویی و غلبه بر دیگری است.

کتاب‌هایی چون «روزی روزگاری جنگ درگرفت»، اثری از جان اشتاین‌بک و کتاب «هزار خورشید تابان»، نوشته‌ای از خالد حسینی، هم فراتر بروند و قصه‌هایی را بازگو کنند که با شنیدن آن‌ها، ابرتکنولوژی‌ها و خلاقیت‌های بشری در قرن بیست‌ویک، برای ما زیر سوال برود.

ما با نوشتن داستان‌هایی از جنگ و به تصویر کشیدن آن‌ها در سینما، تلاش می‌کنیم به خاطر بسپاریم که جنگ چه معنا و مفهومی دارد، تا آن را برای نسل‌های آینده حفظ کنیم و امیدوار باشیم که آینده‌گان به دردهای دچار نشوند که گذشته‌گان شده‌اند. از زمانی که ما تاریخ را ثبت کردیم، در پی این بودیم تا اشتباهات تاریخ را تکرار نکنیم؛ ولی به نظر می‌رسد که بشر عمداً خود را محکوم به تکرار تاریخ می‌کند. حتا اگر ابرادبیات داشته باشیم و با آن جنون مرگ‌بار بشر برای آغاز جنگ‌ها، قصه پرغصه قربانیان و اثر هذیان ایدئولوژیک بر انسان‌ها را بازگو کنیم، بازهم شاید نتوانیم انسان‌های آشوب‌دوست را متوجه تاریخ بسازیم تا آن را تکرار نکنند.

در دنیای باستان، در یونان قدیم، آرس، پسر زئوس و هرا، خداوندگار نبرد بود؛ خدایی که رهبری تمامی جنگ‌ها و درگیری‌ها را برعهده داشت. اگر در زمانه ما تصور بر وجود خدای جنگ می‌بود، شاید تمامی کردار و رفتارهای خشونت‌بار خود را برعهده او می‌گذاشتیم و یا به مانند رمان «مردی در تاریکی» از پل استر و یا فلم (wonder woman) که تنها یک فرد باعث آن همه بدبختی‌های بشر شده است، شاید به راحتی می‌توانستیم، با از بین بردن آن فرد، ریشه تمامی این جنگ‌ها را بخشکانیم.

ولی این زمان، زمانی برای این تصورات نیست. تمامی خشونت‌های مرعوب‌کننده را می‌توان گفت که ناشی

از جهل (تلاش برای برپایی ملکوت آسمان‌ها در روی زمین)، تمامیت‌خواهی‌ها و ناکامی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی است. آن چه که یووال نوح هراری، دوران ترمپ و هم‌نوعانش را دوران پوچ‌گرایی و پوپولیستی می‌گوید و بشر را سرخورده از سیستم‌های حاکم بر جامعه می‌داند.

تصور شورش و کودتا در ترکیه، حمله بر ساختمان کنگره آمریکا و کشته شدن رییس جمهوری هائیتی در خانه‌اش، جنگ در افغانستان، عراق، یمن، سوریه، سومالی و... چندان غیرعادی به نظر نمی‌رسد؛ ولی از خشونت‌های قرن بیست‌ویک است. قرنی که بشر آن را با تمام و کمال قرن مدرنیته و تکنولوژی می‌داند و نوع بشر را در هزاره سوم، بشر مدرن می‌نامد که ددمنشی‌های گذشته را فراموش کرده است. اما به نظر می‌رسد که این جملات پر آب‌وتاب که «بشر امروز را نوع مدرن و منطقی می‌نامد» در لای کتاب‌هایی از اندیشمندان و متفکران گیر مانده و هرگز جامه عمل نپوشیده است.

برای اثبات این ددمنشی بشر در قرن بیست‌ویک، نیاز به ورق زدن تاریخ و یا نظریه نظریه‌پردازان، نداریم. جنگ امروز در افغانستان، نمادین‌ترین تصاویری از روی دیگر بشر است؛ جنگی که برای ما تنها یک تعریف دارد: «خون و تباهی». خون انسان‌هایی که بدون هیچ دلیلی ریخته می‌شود؛ کسانی که در انتظار صلح به زیر خاک می‌روند. آواره‌گان جنگ؛ کسانی که این نابسامانی‌ها، هست‌و‌بودشان را گرفته و خودشان را به چادرنشین‌های شهرها مبدل کرده است.

چقدر سخت است در کشوری زنده‌گی کنی که مردمش شب و روز گروه گروه کشته می‌شوند، هر لحظه و هر ثانیه آوای مرگ به گوش می‌رسد، انگار دنیای مرده‌گان از ما انتقام کارهای نکرده را می‌گیرد

با هم‌بسته‌گی حکومت و مردم وضعیت تغییر می‌کند



عبدالستار میرزکوال، سرپرست وزارت داخله

عرصه اکمالات، اعاشه، عدم پرداخت به موقع معاشات و ترفیعات به موقع شما موجود است. ما در ادامه‌ی روند اصلاحات در این عرصه‌ها، طی هفته گذشته از نگاه کادری، تغییرات زیادی را در معینیت تأمینات اعمال کرده‌ایم و حالا با تیم جدید بر روی پروسه‌ها و موثریت تمرکز خواهیم کرد. ما برای رسیده‌گی به خانواده شهدا و معلولان قوای قهرمان پولیس اقدامات موثری را انجام داده‌ایم و اقدامات کلان‌تری را روی دست داریم.

در کنار تلاش‌های ما، شما حالا یک سرمایه کلان قابل اتکا دارید. این سرمایه، مردم افغانستان هستند. مردم با عزت افغانستان حالا از مرحله تشویق به مرحله حضور در کنار شما وارد شده‌اند. شما حافظ ارزش‌های نظام هستید و مردم با جان و مال خود در کنار شما بدون توجه به تهدیدهای تروریستان قرار گرفته‌اند. مبارک‌تان باد!

مردم شریف افغانستان!

من به عنوان وزیر امور داخله، رنج و درد تحمیل‌شده از جانب طالبان تروریست بر شما را کاملاً درک

که از آماده‌گی‌شان برای اشتراک در قیام ملی برعلیه تروریستان خبر می‌دهند. نیروهای دفاعی و امنیتی با شما هماهنگ خواهند شد.

سطح همکاری میان وزارت امور داخله، وزارت دفاع ملی و ریاست عمومی امنیت ملی حالا در بهترین شرایط ممکن قرار دارد. سرقوماندان اعلی قوای مسلح، به طور روزانه برای حمایت از قوای امنیتی - دفاعی کشور اهتمام به خرج می‌دهد و شخصاً اوضاع را مطالعه می‌کند. براساس ظرفیت‌های موجود دفاعی و امنیتی، میزان همکاری قوای دوست، تلاش‌های دستگاه دیپلماسی و مطالعات استراتژیک، موضوعات عمده دفاعی کشور به طور روزانه مورد بحث قرار می‌گیرد و تصمیم اتخاذ می‌شود.

به شما اطمینان می‌دهم که با گذشت هر روز، ورق به نفع حقانیت مردم افغانستان برمی‌گردد. طالب تروریست در قطر شعارهایی می‌داد که برخی دوستان بین‌المللی ما را دچار تزلزل کرده بود؛ اما اعمال وحشیانه این گروه در انجام جنایات جنگی در اسپین بولدک و مالستان و دیگر ساحات، تخریب زیربنای‌های عامه، حمله به دفاتر سازمان‌های بین‌المللی، وضع مقررات خلاف شرع و انسانیت در ساحات تحت اشغال، حالا صف واحدی را در برابر این گروه تروریستی به وجود آورده است. با وصف هزینه‌های این تجربه بر مردم افغانستان، اما برداشته شدن نقاب تزویر از چهره این گروه تروریستی دستاورد کلان برای ملت افغانستان است که شما نتایج آن را در ماه‌های آینده در عرصه بین‌المللی خواهید دید.

از برادران و خواهران اهل تشیع افغانستان در آستانه شروع ماه محرم تقاضا می‌کنم که در قسمت تأمین امنیت برگزاری مناسک مذهبی با نیروهای دفاعی و امنیتی کشور همکاری کنند و امسال بیش‌تر از سال‌های گذشته در اتخاذ اهتمامات مردمی همت به خرج دهند. من در مورد همکاری همه‌جانبه پولیس به شما اطمینان می‌دهم.

مردم افغانستان به عقب بر نخواهند گشت. قوای دفاعی و امنیتی کشور، به خصوص پولیس دلیر افغانستان، این اجازه را به تروریستان نخواهند داد.

درمانده‌گی یک پدر؛ محمدنبی می خواهد جنازه عبدالرووف را غیابی بخواند



شکیبا سعیدی

با اسم و تصویر عبدالرووف ۱۰ ساله شاید کم‌تر کسی آشنا نباشد یا در مورد او نشنیده باشد؛ کودکی که حدود ۱۰ ماه پیش از ناحیه نهم

شهر مزارشرف توسط افراد مسلح ناشناس ربوده شد. با آن که ۱۰ ماه از اختطاف او می‌گذرد، اما هنوز در بند است و هرازگاهی ربایندگان صدای ناله و فریاد او را که ناشی از شکنجه است، به پدرش می‌فرستند. محمدنبی اما در یک اقدام نومیدانه می‌خواهد که اگر به‌لحاظ «دینی» عالمان دین و بزرگان قوم ترکمن جواز بدهند، جنازه او را به‌صورت غیابی ادا کند. هفته گذشته به تاریخ ششم اسد خیمه تحصنی که برای رهایی عبدالرووف در درج مقام ولایت بلخ برافراشته شده بود، پس از نزدیک به ده ماه از سوی خانواده او و بزرگان قوم ترکمن برداشته شد. هرچند پدر عبدالرووف می‌گوید امیدوار است که روزی «یوسف گم‌گشته» خود را در آغوش بگیرد، اما تصمیم او برای خواندن جنازه غیابی برای عبدالرووف نشان از ناامیدی او است.

پدر عبدالرووف در هنگام برداشتن خیمه تحصن اعلام کرد که توان حکومت به آدم‌ربایان میلیونر نرسیده است. خانواده عبدالرووف چندین بار تاکنون مورد حمله قرار گرفته که چندین کشته و زخمی برجای گذاشته است. پدر عبدالرووف از حکومت به‌ویژه رئیس جمهور غنی و امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری، گلایه کرد که با وجود وعده‌های مکرر برای رهایی پسرش اقدامی نکرده‌اند. این مرد که ۱۰ ماه فراق فرزندش را کشیده است، از نهادهای حقوق بشری نیز گلایه دارد که صدای دادخواهی او را بازتاب نداده‌اند؛ هرچند مسوولان کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گویند که اختطاف عبدالرووف نقض حقوق بشر و حقوق کودک است و بارها مقام‌های محلی را تحت فشار قرار داده است.

محمدنبی بای هرچند در مشورت با بزرگان قوم ترکمن خیمه تحصن را برداشته، اما می‌گوید که با وجود کوتاهی حکومت در رهایی پسرش، از راه‌های دیگر تلاش می‌کند که فرزندش رها شود. این پدر دردکشیده می‌گوید که تاکنون حکومت به آنان سرنخی نداده است. محمدنبی گفت که با مسوولان ارشد حکومت از جمله رئیس جمهور غنی و امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری، دیدار کرده، اما نتیجه‌ای در پی نداشته است. با این حال، منابع امنیتی می‌گویند که برای رهایی عبدالرووف ۷۰ عملیات نظامی اجرا شده، اما ناکام بوده است. در آخرین مورد نهادهای امنیتی دریافته‌اند که عبدالرووف به ولایت فاریاب منتقل شده است.

پدر عبدالرووف گفت که ربایندگان برای آخرین بار با انفجار بمب در نزدیک خانه‌اش به او پیام داده و از خانواده او چند قربانی گرفته است. او از حملات راکتی و انداختن

بمب به خانه‌اش نیز یادآوری کرد که به باور او پشت این حملات ربایندگان قرار دارد. او مدعی است که اختطاف چپان قدرت‌مند هستند و حتا تغییر ذهنیت سران دولت را دارند. عالمان دین اما می‌گویند که به‌لحاظ دینی، خواندن جنازه غیابی فردی که مرگش ثابت نشده باشد، جواز ندارد. مولوی مفتی محمدالله حنفی به روزنامه ۸صبح گفت که مرگ عبدالرووف تاکنون ثابت نشده است؛ لذا خواندن جنازه غیابی او جواز ندارد.

پدر عبدالرووف می‌گوید که اگر بزرگان ترکمن و عالمان دین اجازه دهند، جنازه غیابی عبدالرووف را می‌خواند؛ زیرا حکومت ناتوان است. محمدنبی، زنده رها شدن عبدالرووف را «محال» می‌خواند. او می‌گوید که اختطاف چپان پول نمی‌خواهند، بلکه در صدد گرفتن جان خودش هستند. جان باختن عبدالرووف به دست ربایندگان روز گذشته در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد، اما پدر عبدالرووف این خبر را تایید نمی‌کند.



پدر عبدالرووف گفت که ربایندگان برای آخرین بار با انفجار بمب در نزدیک خانه‌اش به او پیام داده و از خانواده او چند قربانی گرفته است. او از حملات راکتی و انداختن بمب به باور او پشت یادآوری کرد که به باور او پشت این حملات ربایندگان قرار دارد. او مدعی است که اختطاف چپان قدرت‌مند هستند و حتا تغییر ذهنیت سران دولت را دارند.



حملات ربایندگان بر پدر عبدالرووف

خانواده عبدالرووف چندین بار تاکنون مورد حمله قرار گرفته و چندین کشته و زخمی داده است. در شب یازدهم جوزای امسال افراد مسلح به خانه پدر عبدالرووف حملات راکتی را اجرا کردند که به گفته مقام‌های امنیتی و خانواده عبدالرووف تلفات در پی نداشت. در بیست‌وهفتم سرطان، مابینی در موتر پدر عبدالرووف منفجر شد که چهار کشته برجای گذاشت. برادرزاده ۱۴ ساله محمدنبی نیز در این انفجار جان باخت. در هشتم اسد امسال نیز پدر عبدالرووف هدف انفجار قرار گرفت که نه زخمی برجای گذاشت. محمدنبی مدعی است که اختطاف چپان در آخرین مورد گفته‌اند که پیش از این پنج کیلوگرام مواد انفجاری را در خانه‌اش جاسازی کرده بودند، اما بار دیگر ۲۰ کیلوگرام مواد انفجاری را جاسازی می‌کنند.

پدر عبدالرووف می‌گوید که اختطاف چپان را می‌شناسد و همه نام‌ها و نشانی‌ها را با امنیت

بانو



شمیم فروتن

دختر گل فروش:

اگر طالبان بیاید، گل‌هایم می‌خشکد و آرزوهایم می‌میرد

برحسب یک تصادف نیک او را در بالکن پیش روی دکانش دیدم. دختر گل‌فروشی که در سیاه‌ترین روزهای تاریخ، با دستان کوچکش آرزوهای بزرگی می‌کرد.

او در حالی که گلدان‌هایش را آب می‌داد، به گلدانی که نمادی از صلح در آن نقاشی شده است، خیره می‌ماند و با تائیر می‌گوید: «می‌دانی، آن‌چه این روزها مره افسرده‌خاطر ساخته، تاریخ غم‌انگیز این روزهای افغانستان است.» او امیدوار است که از پس این همه جنگ و وحشت، صلح پایدار و امیدوارکننده در راه باشد و امیدهای جدید در دل این خاک جوانه زند و سبز شود.

در کشور زن‌ستیز افغانستان که اکثریت دختران نه آزادی اندیشه دارند و نه آزادی انتخاب، شهلا بهشتی که یک دختر دستورپذیر از خانواده‌ای سنتی در افغانستان است، تابوشکنی می‌کند و در خیابان‌های کابل، گل‌هایش را به فروش می‌رساند.

شهلا روابط خوبی و مشترکات بسیاری با کودکان خیابانی دارد و به گفته او، این مشترکات عمیقاً برمی‌گردد به آرزوهایش؛ آرزوهای که زخم‌خورده و پلاسیده شده است. شهلا می‌گوید که او در کودکی آرزوهای قشنگی داشت؛ آرزوهای که فقط آرزو ماند و در دل فقر دفن شد.

اکنون شهلا بهشتی ۲۲ سال دارد. او که دانشجوی سال چهارم دانشکده طب در یکی از دانشگاه‌های کابل بوده، به سبب ضعف اقتصادی که گریبان‌گیر خانواده‌اش می‌شود، نمی‌تواند تحصیلاتش را ادامه دهد.

شهلا که برای ادامه تحصیلاتش می‌خواهد استقلال مالی داشته باشد، با دیدن کودکان کار غم بزرگی قلبش را می‌فشرد و بار نخست در زمستان سال ۱۳۹۹ خورشیدی در حالی که باد سردی در خیابان‌های پل‌سرخ دست و دلش را به لرزه می‌اندازد، برای روحیه بخشیدن به این کودکان، دوشادوش آن‌ها برای کسانی که روز عاشقان را تجلیل می‌کنند، گل می‌فروشد.

در خیابان‌های غم‌انگیز کابل، با انبوهی از حرف‌های رکیک افراد مزاحم مواجه می‌شود: «دختر جان از زیبایی و جوانی وجودت استفاده کو. گل چه می‌کنی، خودت قیمت کو، گل خود هر جای است.» با این حال، شهلا با شهامت تمام، این حرف‌ها را به بشیزی هم نمی‌خرد.

او آرزوهایش را دنبال می‌کند و به نام دختر گل‌فروش به شهرت می‌رسد. شهلا روزهای سرد زمستان با کودکان خیابانی کار می‌کند، برای آن‌ها غذا می‌خرد و گاه آن‌ها را به شهر بازی می‌برد. کودکان خیابانی شهلا را دوست دارند و او را خاله باران خطاب می‌کنند. با همکاری شهلا، کار کودکان خیابانی نیز رونق می‌گیرد. آن‌ها دوستان خوبی برای شهلا می‌شوند. همین‌گونه روزها یکی بی دیگر سپری می‌شود و زمستان‌های سرد رخت سفرش می‌بندد. بوی بهار در شهلا شور زنده‌گی می‌آفریند و شاخه‌های گل سرخ او، جایش را به گلدان‌ها خرد و ریز کاکتوس می‌دهد.

در روزهایی که آسمان کابل صاف و نیلگون به نظر می‌رسد، شهلا گل‌هایش را در خیابان‌های کابل به نمایش می‌گذارد و این نمایشگاه‌های خیابانی از طرف مردم با استقبال گرم روبه‌رو می‌شود. به مرور زمان شهلا با سرمایه اندکی که گرد آورده است، به هدف خودکفایی، دکانی را به کرایه می‌گیرد و گل‌فروشی‌اش را گسترش می‌دهد. او همه‌روزه از گلدان‌هایش مراقبت می‌کند و می‌خواهد در کشوری که همیشه جنگ و خشونت به نمایش گذاشته شده است، او با گلدان‌های کوچکش صلح و دوستی را به نمایش بگذارد. شهلا به همین دلیل در بیش‌ترین گلدان‌هایش نماد صلح را نقاشی می‌کند و به امید صلح و امنیت نمایشگاه گل و گیاه را برگزار می‌کند. اکنون به پلان‌های بزرگی می‌اندیشد و با کمک دوستانش می‌خواهد نمای چهارراه پل سرخ را با گل‌هایش تزیین کرده و در درختان این چهارراه، با طراحی خاصی گلدان‌هایش را جابه‌جا کند. او که اجازه این کار را از شهرداری کابل اخذ کرده است، به‌زودی می‌خواهد کارش را آغاز کند.

اکنون که واپسین آرزوهای شهلا به حقیقت پیوسته است، می‌خواهد دختر گل‌فروش خیابانی باقی بماند، دست کودکان را بگیرد و تحصیلاتش را ادامه دهد. او با گل و گیاه پیوند عمیقی دارد. سراسر دکان و راهرو دکانش را با گل‌های کاکتوس تزیین کرده است. شهلا با آن که می‌خواست ناراحتی‌های روحی‌اش را اندک‌اندک با گل‌فروشی التیام ببخشد، اما این روزها اوضاع نابه‌سامان کشور او را به شدت نگران کرده است. با تاسف می‌گوید که اگر طالبان بیاید، گل‌هایش می‌خشکد و آرزوهایش می‌میرد.



۶
رویت‌های
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

سال پانزدهم
شماره ۳۶۵۹
دوشنبه
۱۸ اسد ۱۴۰۰
۹ اگست ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

♦ **عاطف هاشمی**

خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان، مسبب یک سلسله نگرانی‌های بیرون‌مرزی نیز است که مهم‌ترین آن ثبات سیاسی، ارزش‌های حقوقی و مدنی در افغانستان است. به عبارت دیگر، افغانستان بی‌ثبات، فاقد ارزش‌های حقوقی و مدنی، تأثیرات منفی منطقه‌ای و جهانی دارد که مایه نگرانی کشورهای همسایه، منطقه و دنیا است. از این‌رو، به طور عموم، کشورهای آسیای مرکزی نیز چون ظرفیت‌های سیاسی داخلی، نگران آینده افغانستان هستند. نگرانی‌های موجود در کشورهای آسیای مرکزی، به خصوص سه همسایه افغانستان، باعث یک حس آزاردهنده‌ای که ریشه در نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی دارد، شده است. در ضمن، برنامه‌های بزرگ اقتصادی داخلی و منطقه‌ای، چون راه‌های تجارتي و مسیرهای نقل و انتقال‌ها، امنیت مرزها، قاچاق سلاح و مواد مخدر، مسائل مربوط به خط لوله انرژی و… مواردی است که افغانستان می‌باید برای دستیابی به یک موقعیت خوب سیاسی – اقتصادی، شرایط را برای آن آماده کند و در مقابل، آسیای مرکزی نیز به یک افغانستان باثبات و شکوفا ضرورت دارد. بدون شک دستگاه سیاست خارجی افغانستان، روابط نزدیک با آسیای مرکزی، در چارچوب روابط دوجانبه، همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است؛ اما پیوستن افغانستان به مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی، بحثی است حساس که می‌باید در سطوح مختلف بررسی شود.

در آغاز، به صورت مختصر به چیستی مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی، اهداف و محدوده فعالیت‌های آن، پرداخته شده است و به تعقیب آن، آسیای مرکزی و میزان اهمیت آن برای افغانستان، چگونگی و چرایی نقش کوریای جنوبی در آسیای مرکزی، مزیت‌ها و نقاط حساسیت‌برانگیز حضور افغانستان به عنوان کشور ششم در مجمع ROK+C5 و نقاط اشتراک در منافع افغانستان و اعضای مجمع، عناوین مورد بحث در این مقاله تحقیقی است.

الف- مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی یا ROK+CA5 cooperation forum مجمع همکاری‌ها بر روندها و چگونگی پیش‌رفت در توسعه بین‌المللی متمرکز است ومجامع همکاری بین‌المللی به شناخت نیازهای دو و چندجانبه دولت‌ها سرعت می‌بخشد، ارزش‌یابی متقابل را ساده می‌کند و باعث انسجام در سیاست‌های توسعه‌ای در میان دولت‌ها می‌شود.
مجامع بین‌المللی‌ای که مبنی بر اساس‌نامه به وجود آمده باشند، آثار حقوق بین‌الملل بر آن وارد است و از جایگاه حقوقی در سطح جهان برخوردار هستند. چنین مجامعی فعالیت دوام‌دار دارند، سال یک یا چند بار جلسه برگزار می‌کنند و تصامیم آن طبق قانون داخلی کشورهای عضو، مورد پذیرش اعضا است. ممکن است برخی از تصامیم مجامع بین‌المللی شکل توصیه‌ای داشته باشد که در این صورت، نمی‌توان آن را الزام‌آور گفت.

مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی، نیز در همین قالب قابل شناخت است و دقیق، کوریای جنوبی با کشورهای آسیای مرکزی از مجرای این مجمع که در سال ۲۰۰۷ شکل گرفت، منسوت می‌کند تا درپاید که در کدام عرصه‌ها می‌توانند همکاری چندجانبه داشته باشند و به سطح بلندی از هم‌گرایی و معاونت در بخش‌های مختلف برسند. این مجمع را گروه کاری مشخص و سکرتریت خاص اداره می‌کنند که در حد نشست وزیران امور خارجه، سال یک‌بار جهت اتخاذ تصمیم مبنی بر همکاری و پروژه‌های مشترک، تدویر جلسه می‌کنند. همکاری‌ها اغلبا در بخش‌های انرژی، منابع آب، محیط زیست، تکنولوژی، فرهنگ، صحت، خدمات طبیی و سیاحت است که توسط کوریای جنوبی تمویل می‌شود. تاکنون سه نشست این مجمع در سطح وزیران خارجه و نشست‌های دیگر در سطح معینان وزارت‌های خارجه کشورهای عضو تدویر یافته است. به گونه مثال، دوازدهمین نشست مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی، در حد وزیران امور خارجه در قزاقستان به تاریخ ۱۵ و ۱۶ اکتوبر سال ۲۰۱۹ در محوریت «رای‌زنی در خصوص مکانیسم تبادلات عمومی و همکاری میان کشوری» برگزار شد. در این نشست، وزیر امور خارجه کوریای جنوبی، کشورهای آسیای مرکزی را همکاران کلیدی (New Northern Policy) خطاب کرد و این نشست روی همکاری‌ها در خصوص معیاری‌سازی فنی، منابع آب، فناوری اطلاعات، انرژی، فرهنگ، تکنولوژی، صحت، خدمات درمانی و محیط زیست متمرکز بود. سکرتریت این مجمع که در سال ۲۰۱۷ شکل گرفت، در یک سال گذشته، روی پروژه‌های متنوع و مهمی چون ترانسپورت و لوژستیک، منابع انرژی و آب، مدرن‌سازی صنعت، محیط زیست و اقلیم، خدمات صحنی و آموزش و فرهنگ گردشگری برنامه‌های عملی داشته است. سیزدهمین نشست مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی، نیز در سطح وزیران امور خارجه کشورهای عضو در سنول به تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ برگزار شد. اساسا این نشست، محدود به همکاری‌های کوریای جنوبی با کشورهای آسیای مرکزی مبنی بر تأثیرات همه‌گیری ویروس کرونا بود و محورهای گفت‌وگو و عرصه‌های جلب همکاری‌ها، عبارت بود از: مراقبت‌های صحنی، تحصیلات آنلاین، کمک به اعمال قرنطینه درست و تغییرات اقلیمی. قرار است چهاردهمین نشست این مجمع در نوامبر ۲۰۲۱ در سنول برگزار شود و بر محوریت تطبیق «پالیسی جدید شمالی کوریای جنوبی» New Northern Policy–South Korea و بلند بردن بیشتر سطح همکاری‌های کوریای جنوبی با آسیای مرکزی خواهد چرخید.

ب- افغانستان و نقش آسیای مرکزی

افغانستان با کشورهای آسیای مرکزی دارای مشترکاتی است که در صورت تعامل سیاسی با آن‌ها، می‌تواند ظرفیت‌های خود را به منظور تأمین رفاه و نابودی تهدیدهای امنیتی مورد استفاده قرار دهد. روابط افغانستان با همسایه‌گان شمالی‌اش، شامل

پنج کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و اوزبیکستان) قابل مکث و تأمل است و نمی‌تواند بدون گسترش روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، نقش تاریخی خود را به عنوان یک مرکز و پل زمینی که به موجب آن بتوانند جنوب آسیا را به اروپا وصل کند، درک و ایفا کند. این مساله به نوبه خود مانعی در برابر توانایی افغانستان به سوی خودکفایی در سال‌های پیش رو خواهد شد. از این‌رو، چالش‌های مشترک هراس‌افگنی، همکاری‌های اقتصادی و تجارتي و میراث مشترک فرهنگی، حوزه‌های قابل مکث میان افغانستان و آسیای مرکزی است.

کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به صورت مستقیم در تحولات افغانستان دخیل بوده و بیشتر از دو دهه زمینه انتقال تجهیزات ناتو را فراهم کرده‌اند. امروزه نیز برعلاوه صادرات مواد اولیه، جمهوری‌های آسیای مرکزی، از تأمین‌کننده‌گان انرژی برق و از کمک‌کننده‌گان فنی و تحصیلی به اتباع افغانستان هستند. در ضمن، اوزبیکستان و قزاقستان گام‌هایی را در سال‌های اخیر به منظور حمایت از روند صلح افغانستان برداشته‌اند که همکاری‌های اقتصادی این کشورها با افغانستان قابل محاسبه در روابط کابل با این کشورها است. به عنوان مثال، اوزبیکستان در سال ۲۰۱۸ به تعداد ۲۱ کشور، سازمان ملل و اتحادیه اروپا را متعهد به حمایت از روند صلح افغانستان کرده بود که باعث حمایت وسیع از گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بدون پیش‌شرط شد.

سفیر اوزبیکستان در امریکا، افغانستان را یکی از ده شریک تجاری کشورش عنوان کرده است. هم‌چنان اوزبیکستان اعلام کرده است که صادرات برق خود را به افغانستان گسترش خواهد داد. این کشور در زمینه تحصیلی نیز ساله به بیش از ۱۰۰۰ تن، زمینه تحصیل را فراهم می‌کند، هم‌چنان به ارزش ۸۰ میلیون دالر کمک از مجرای KazAID به افغانستان صورت گرفته است.

روابط آسیای مرکزی و افغانستان تاریخی و عمیق است. افغانستان زمانی به عنوان بخش مهمی از جاده ابریشم و وصل‌کننده مناطق مختلف قاره آسیا، عمل می‌کرد. بدون شک، یک افغانستان صلح‌آمیز می‌تواند پلی میان آسیای مرکزی و جنوبی باشد و چشم‌انداز توسعه پایدار در آسیای مرکزی با استقرار صلح در افغانستان رابطه مستقیم دارد. به لحاظ سیاسی، کشورهای آسیای مرکزی با افغانستان در معاونت و همکاری قرار دارند و چون همسایه‌های غربی و جنوبی، باعث خلق مسأله در این کشور نشده‌اند. در بُعد اقتصادی، تاکنون سهم محسوس مرکزی در افغانستان به صادرات مواد اولیه و انرژی برق محدود بوده است. طی یک دهه اخیر، روابط مهم افغانستان با برق وارداتی کشورهای ترکمنستان، اوزبیکستان و تاجیکستان وصل شده است. این خطوط انتقال می‌تواند زمینه خوبی برای برقراری همکاری‌های اقتصادی میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی در سکتور انرژی باشد؛ مگر پروژه‌های انرژی دیگر مثل «خط انتقال لوله گاز تاپی» میان کشورهای ترکمنستان، افغانستان، هند و پاکستان و هند و پروژه برق «کاسا یک هزار» میان کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی مهم‌تر است.

ج- چگونگی و چرایی نقش کوریای جنوبی در آسیای مرکزی

کوریای جنوبی در راستای تلاش برای تشکیل «منطقه اوراسیای متحد»، یعنی ایجاد بازار آلترناتیف و قابل رقابت با اتحادیه اروپا و به منظور وسعت بخشیدن روابط خود با اوزبیکستان، قزاقستان و ترکمنستان، دیدارهای رسمی را پس از ۲۰۰۷ آغاز کرد. نقش کوریای جنوبی را از ایجاد روابط با آسیای مرکزی می‌شود از زاویه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی کرد.

۱- سیاسی: سنول در دو دهه اخیر، با استفاده از ابزارهایی چون اقلیت‌های کوریایی در آسیای مرکزی، مسیربخشی همکاری کوریای جنوبی با همکاری‌های امریکا با کشورهای آسیای مرکزی، برگزارر نشست‌های همکاری‌های کوریای جنوبی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و سرمایه‌گذاری اقتصادی، برای نزدیکی بیش‌تر با آسیای مرکزی تلاش کرده است تا نفوذ خود را در منطقه بیش‌تر کند. روابط دیپلماتیک کوریای جنوبی با کشورهای آسیای مرکزی تاریخ طولانی ندارد؛ اما مسیر را به سرعت طی می‌کند. به عنوان مثال، کوریای جنوبی با ترکمنستان در سال ۱۹۹۲، با اوزبیکستان در سال ۲۰۰۷ و با تاجیکستان در سال ۲۰۰۸ روابط دیپلماتیک خود را آغاز کرد. هم‌چنین پس از اولین سفر رسمی کورلسطان نظریف، رئیس جمهور قزاقستان، به کوریای جنوبی در ماه می سال ۱۹۹۵، سفرهای مقامات سیاسی کوریای جنوبی به آسیای مرکزی به طور منظم در سطح عالی انجام می‌شود. سفر پارک گئون هه، رئیس جمهور پیشین کوریای جنوبی، به سه کشور اوزبیکستان، قزاقستان و ترکمنستان از تلاش قابل ملاحظه کوریای جنوبی در منطقه رو به رشد آسیای مرکزی حکایت می‌کند. در همین راستا، نشست همکاری‌های کوریای جنوبی و جمهوری‌های آسیای مرکزی از سال ۲۰۰۷ تاکنون با هدف تحکیم همکاری‌ها و تلاش مضاعف برای همکاری‌های دو طرف در جهت مسائل سیاسی، اقتصادی و… میان کوریای جنوبی و کشورهای آسیای مرکزی برگزار است. در بُعد دیگر، مسوولان کوریای جنوبی با دیدار از اوزبیکستان، قزاقستان و ترکمنستان که هشت ماه پس از طرح پیشنهاد «بنکار اوراسیا» انجام شد، تلاش دارد تا این مهم را به عنوان یک بخش کلیدی سیاست خارجی خود انجام دهد. این طرح بر تقویت همکاری‌های تجاری و زیربنایی میان کشورهای اوراسیا به منظور ایجاد بازار بزرگ قابل رقابت با اتحادیه اروپا تأکید می‌کند. لذا کوریای جنوبی در راستای تشکیل این ایده خود گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای این منطقه را در دستور کارش قرار داده است. در کنار این امر، سنول به دنبال به دست آوردن حمایت از دستور کار سیاست خارجی، چون اعتمادسازی در شبه‌جزیره کوریا و چشم‌انداز صلح و همکاری شمال‌شرق آسیا است.

خلاصه سخن این‌که، سنول با ابزار اقلیت‌های کوریایی امکان چانه‌زنی سیاسی و تبادلات فرهنگی بیش‌تری را به منظور توسعه سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی یافته و در تلاش است تا با

ایجاد روابط سیاسی نزدیک، اهداف اقتصادی و فرهنگی خود را در منطقه دنبال کند، خود را از بن‌بست ژئوپلیتیک زمینی بیرون بکشد و به امتیازات ژئواستراتژیک اوراسیایی برساند.

۲- اقتصادی: به لحاظ اقتصادی، نیاز کوریای جنوبی به آسیای مرکزی، توسعه اقتصادی آن کشور است. براساس گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص کوریای جنوبی از ۳۷۴ میلیارد دالر به ۱۵۳۱ میلیارد دالر در ۲۰۱۷ رسیده است. یعنی سقف مبادلات و همکاری‌های کوریای جنوبی و پنج کشور آسیای مرکزی در دو دهه گذشته با ۱۸۰ برابر رشد مواجه بوده و عرصه‌هایی چون صحت، نساجی، صنعت موترسازی، ساخت زیربنایهای اقتصادی، فناوری‌های اطلاعاتی، علمی و فرهنگی از جمله زمینه‌های همکاری‌های کوریای جنوبی با پنج کشور منطقه است و کوریای جنوبی در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی به یکی از مهم‌ترین طرف‌های تجاری کشورهای این حوزه تبدیل شده است. در بُعد اقتصادی، کوریای جنوبی در تلاش است تا طرح بازار متحد اوراسیا را به عملی شدن نزدیک و به وسیله مبادلات اقتصادی از طریق تجارت آزاد، آسیا را از ظرفیت تبدیل شدن به بازار بزرگی برای رقابت با اتحادیه اروپا برخوردار کند. در همین راستا، همکاری‌هایی برای ایجاد جاده ابریشم سریع (که کوریای جنوبی را از راه چین و روسیه به اروپا وصل می‌کند)، انجام شده است. جدا از این نیز باید دانست، از آن‌جا که بیش‌تر کشورهای این منطقه دارای منابع نفتی و گازی هستند و دولت‌های این منطقه منابع عظیم معدنی خود (نفت و گاز، اورانیوم و فلزات گران‌بها) و بخش تولید موتر را بر روی شرکت‌های کوریای جنوبی باز کرده‌اند، سنول می‌کوشد تا با سرمایه‌گذاری در بخش انرژی این کشورها، از آن به عنوان جایگزین مناسبی برای انرژی خاورمیانه و روسیه استفاده کند. چنان‌چه لی میونگ باک، رییس جمهور پیشین کوریای جنوبی، گفته بود که سنول به دنبال جایگزین کردن واردات انرژی خاورمیانه با انرژی آسیای مرکزی است. در واقع سنول با توجه به انرژی این منطقه تلاش می‌کند وابسته‌گی خود به منابع انرژی را بکاهد. جدا از این، بازارهای رو به رشد منطقه، به‌ویژه قزاقستان، اوزبیکستان و ترکمنستان محل مناسبی برای ارایه سرمایه‌گذاری فناوری‌های شرکت‌های کوریای جنوبی است. چنان‌چه کوریای جنوبی تاکنون در ۹ پروژه انرژی در ترکمنستان ۵.۵ میلیارد دالر سرمایه‌گذاری کرده و در سفر اخیر رییس جمهور کوریای جنوبی، شرکت‌های کوریایی، چون ال جی و هوندا دو واحد فناوری گاز به ارزش چهار میلیارد دالر را در ترکمنستان خواهند ساخت. جدا از این، حجم سرمایه‌گذاری کوریای جنوبی در قزاقستان در چارچوب توافقات موجود حدود هشت میلیارد دالر است که روند جذب سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی در قزاقستان، شانس این کشور را برای تبدیل شدن به شریک اصلی اقتصادی کوریای جنوبی در آسیای مرکزی، بیش‌تر می‌کند. گذشته از این، بیش از ۴۰۰ شرکت کوریای جنوبی سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را در اوزبیکستان انجام داده‌اند و کوریای جنوبی در حال حاضر بیش‌ترین حجم تبادل کالا را با اوزبیکستان (بیش از ۲ میلیارد دالر) دارد و یکی از شرکای اصلی اقتصادی این کشور است. این در حالی است که قرار است کارگران بیش‌تری از اوزبیکستان به جای روسیه به کوریای جنوبی بروند.

۳- اهداف فرهنگی: حضور اقلیت‌های کوریایی در کشورهای آسیای مرکزی، کوریای جنوبی را متمایل به ایجاد روابط فرهنگی با این کشورها کرده است. طبق گزارش‌ها اکنون بیش از ۱۸۰ هزار نفر از نژاد کوریایی در اوزبیکستان زنده‌گی می‌کنند. هم‌چنین جامعه کوریایی‌های مقیم قزاقستان بیش از ۱۲۰ هزار نفر هستند که در واقع این اقلیت‌ها پل‌های دوستی بین کشورهای منطقه و کوریای جنوبی محسوب می‌شوند و زمینه را برای حضور فرهنگی کوریای جنوبی در این کشورها مهیا کرده‌اند.

بنابراین، کوریای جنوبی برای گسترش و تحکیم مواضع سیاسی و اقتصادی خود نیازمند حضور در مناطقی است که می‌تواند به رشد اقتصادی این کشور مفید واقع شود. از این‌رو، سنول گسترش همکاری‌های اقتصادی به منظور به دست آوردن حمایت از طرح پیشنهادی خود موسوم به «ابتکار اوراسیا» را روی دست دارد. هرچند مهم‌ترین اولویت کوریای جنوبی در روابط با منطقه آسیای مرکزی، اقتصاد و دو موضوع انرژی و صادرات کالا و فناوری است؛ اما سنول به عنوان بازیگر شرقی تلاش خواهد کرد با بهره‌گیری از ابزارهایی چون اتحاد با امریکا و اقلیت‌های کوریایی، نفوذ سیاسی خود را در منطقه گسترش دهد.

د- فرصت‌ها و چالش‌های پیوستن افغانستان به مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی – آسیای مرکزی

حضور کشورها در ساختارها و مجامع همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، می‌تواند باعث ایجاد هم‌گرایی و تعامل بیش‌تر برای جذب امکانات بیش‌تر شود و از مجرای آن، این کشورها اهداف توسعه‌ای خود را دنبال کنند. دولت‌هایی که در بسا موارد به موفقیت رسیده‌اند، با شکل دادن چنین محورهای همکاری، می‌توانند برای کشورهای دیگر ضمن تأمین منافع‌شان مفید واقع شوند. کوریای جنوبی یکی از قدرت‌های اقتصادی در حال توسعه است. با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی کوریای جنوبی، نگاه اقتصادی – سیاسی این کشور به آسیای مرکزی و دریافت مجرای مشارکت در مخرج مشترک منافع، کشورهای آسیای میانه می‌توانند فرصت‌های موجود در پیوستن به این مجمع را برای آینده حضورشان روشن کنند. فرصت‌هایی که کوریای جنوبی به کشورهای آسیای مرکزی از آدرس این مجمع فراهم آورده، عبارت است از: مدیریت منابع آب، حمایت از محیط زیست، همکاری‌های فنی و تکنولوژیکی، معاونت‌های صحنی، ترانسپورت، مدرن‌سازی صنعت، آموزش و فرهنگ گردشگری. پس پیوستن افغانستان به این مجمع، ضمن گسترش همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند وسیله‌ای برای همکاری‌های سیاسی چندجانبه در سطح منطقه شود. به عبارت دیگر، افغانستان با پیوستن به این مجمع می‌تواند از

توانایی‌های کوریای جنوبی در یک تعامل مشترک با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند و به اهداف مشترک توسعه‌ای دست یابد. از آن‌جا که افغانستان همسایه آسیای مرکزی است و با این منطقه در یک پیوسته‌گی قرار دارد، حضورش در این مجمع می‌تواند در امر تأمین پروژه‌های مشترک، مفید واقع و در عین حال باعث به وجود آمدن یک مکانیسم/انهاد پایا برای گسترش روابط افغانستان با کوریای جنوبی شود و تعامل درازمدت را با این کشور حفظ کند.

گسترش روابط با کشورهای دیگر، جزو سیاست خارجی کوریای جنوبی است و این کشور با افغانستان در قالب تعاملات دوجانبه، همکاری اقتصادی و حتا نظامی داشته و از عملیات‌های نیروهای بین‌المللی در امر سرکوب تروریسم در این کشور حمایت کرده است. پس از ۲۰۰۹ کوریای جنوبی در بخش‌هایی چون حکومت‌داری خوب، صحت، معارف و زراعت با افغانستان همکاری کرده و یکی از کمک‌کننده‌گان برنامه‌های توسعه‌ای و فراهم‌کننده کمک مالی به قوای امنیتی این کشور بوده است. اداره کوپکا کمک‌های توسعه‌ای کوریای جنوبی را به افغانستان وسیله می‌شد؛ اما دوام‌دار شدن این روابط نیازمند شراکت در یک اتحاد و یا مجمع همکاری‌ها است.

برای واضح ساختن حساسیت‌های ناشی از پیوستن افغانستان به این مجمع، اول می‌باید به سطح و عرصه‌های همکاری‌های کوریای جنوبی از مجرای این مجمع نظر انداخت که آیا عرصه‌های همکاری این کشور به وسیله این مجمع در تضاد با منفعت‌های منطقه‌ای چین، جاپان و یا روسیه است یا خیر؟ دوم، باید به روابط و سطوح رقابت منطقه‌ای کوریای جنوبی با کشورهای دیگر در منطقه نگاهي داشت که این کشورها، آیا در حوزه‌های شامل همکاری‌های مجمع تضاد منافع خواهند یافت یا خیر؟ آن‌چه تاکنون واضح است، این است که حضور کوریای جنوبی در افغانستان با حساسیت کم‌تری در مقایسه با کشورهای اروپایی برای چین و روسیه همراه و با حاشیه‌های کم‌تر رسانه‌ای در زمینه‌های حقوق بشر، آزادی‌های مدنی و پدیده‌های رسانه‌ای روبه‌رو است. در ضمن به لحاظ اهداف، این مجمع راه مشترک با طرح «یک کمربند و یک راه» چین و یا هم اوراسیای روسیه را دنبال نمی‌کند و به لحاظ سیاسی موجب تنش سیاسی نخواهد شد.

روابط پرتنش امریکا به عنوان شریک استراتژیک کوریای جنوبی با چین، تنش‌های شبه‌جزیره کوریا، مناقشه سرزمینی میان چین و جاپان و ادعای سرزمینی میان جاپان و کوریا، به نحوی ایجاد روابط نزدیک با کوریای جنوبی را برای افغانستان حساس و در حالت احتیاط قرار داده است؛ اما ما نباید این نکته را نیز نظر اندازیم که پیوندهای عمیق اقتصادی و تجاری میان این کشورها وجود دارد که در شکل اتحادهای سه‌جانبه این مهم بیش‌تر تجلی می‌کند و به لحاظ سیاسی در فضای نسبتاً متشنج در منطقه حضور دارند.

۱- امریکا: با قبول این واقعیت که مجمع همکاری‌های امریکا با آسیای مرکزی نیز وجود دارد و افغانستان در آن عضو نیست؛ اما پیوستن افغانستان به مجمع همکاری‌های کوریای جنوبی ابزار ناراضیاتی امریکا را به دلیل شراکت استراتژیک آن کشور با کوریای جنوبی فراهم نمی‌آورد و احتمالاً موجب همکاری در پلتفرم امریکا – آسیای مرکزی نیز می‌شود. زیرا به لحاظ تاریخی از دهه پنجاه به این‌سو، دیپلماسی سنول در تبتانی و وابسته‌گی با سیاست‌های واشنگتن قرار دارد و تقریباً در تبتانی با امریکا حرکت می‌کند.

۲- جاپان: اول، روابط سیاسی میان سنول و توکیو با فراز و نشیب‌هایی همراه است و مهم‌ترین عامل تیره‌گی روابط، ادعای سرزمینی و مسائل تاریخی میان این دو کشور است؛ اما توکیو بیش‌تر متمایل به بازسازی روابط با کوریای جنوبی است. جاپان در قالب نشست‌های سه‌جانبه (چین، جاپان و کوریای جنوبی) به دنبال هم‌گرایی بیش‌تر با این کشورها است. در ضمن نشست‌های سه‌جانبه همکاری کوریای جنوبی، جاپان و امریکا جهت اعتمادسازی بیش‌تر در تاریخ دیپلماسی این کشور به ثبت رسیده است.

دوم، پیوستن افغانستان به مجمع ROK+C5 به نسبت حوزه‌های اهداف آن باعث ایجاد حساسیت در روابط افغانستان با جاپان نخواهد شد؛ اما افکار عمومی در این دو کشور هنوز برعلیه هم و تیره‌گی روابط متصور است. آن‌چه در این حوزه مهم پنداشته می‌شود، این است که واقعاً نگرانی جاپان در خاک افغانستان به نسبت کوریای جنوبی چیست و چقدر امکان دارد که پیوستن افغانستان در این مجمع، باعث شود که این کشور از دید جاپان که یک همکار مهم اقتصادی آن در سطح آسیا است، بيفتد؟

۳- چین: روابط دیپلماتیک کوریای جنوبی با چین که در ۱۹۹۲ آغاز و باعث سیل مبادلات تجاری شد، نسبتاً گرم است. گرمی این روابط را می‌توان در ناراضیاتی جاپان، کوریای شمالی و امریکا به نسبت روابط چین با کوریای جنوبی محک زد. در صورت پیوستن افغانستان به مجمع همکاری‌های ROK+C5 اول، به دلیل این‌که اهداف و عرصه‌های همکاری کوریای جنوبی از آدرس این مجمع، نوعی طرح بدیل یک کمربند و یک راه چین نیست. دوم، کوریای جنوبی عضو بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا است و در یک تعامل اقتصادی با چین قرار دارد. سوم، کوریای جنوبی در حد همکاری‌های این مجمع، در قالب روابط دوجانبه با افغانستان نسبت به پیوستن افغانستان به احتمال خلق نگرانی جدی چین نسبت به پیوستن افغانستان به این مجمع را منتفی می‌کند.

۴- جمهوری‌های آسیای مرکزی: تاجیکستان و ترکمنستان از علاقه‌مندان پیوستن افغانستان در مجمع از لحاظ نیاز مشترک در مدیریت سرحدات، مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و برخی از پروژه‌های اقتصادی منطقه‌ای هستند که سهم افغانستان در آن به لحاظ موقعیت جغرافیایی برجسته است. این نگرانی ابرازنشده که از ظرفیت مدیریت و استفاده آب دریای آمو توسط افغانستان در دورنمایی سیاسی – اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی مطرح می‌شود، به دلیل موجودیت حقوق بین‌الملل و مشترکات اقتصادی افغانستان با آسیای مرکزی در حوزه‌های دیگر، رفع‌شده است.

به دنبال پدر؛ نبیلا طعمه هاوان طالبان شد



معصومه عرفان

جنگ که باشد، انگار همه جا بوی خون می دهد. بوی لاشه های مرمی ها، بوی نبود مهربانی و زیبایی، بوی خون های خشکیده سربازان، بوی دوری مادر، بوی نبود فرزند و بوی جنگ انگار تمامی ندارد. جنگ بوی بدی دارد، بوی دشمنی، نامهربانی و ویرانی. جنگ کلمه ای بی ارزش است، اما ما شبانه روز با آن درگیریم. گاه از نوشتن دست می کشم. متن هایی که با جنگ و خون آغاز می شود، گاه تنفرآمیز می شود. احساس می کنم مانند عنوان کتاب اورینا فالچی (جنگ و دیگر هیچ) زنده گی شهروندان افغانستان نیز این گونه شده است. تمام چیز جنگ شده است و چیز دیگری وجود ندارد و به چشم نمی آید.

در جنگ سربازان می میرند، مادران در نبود فرزندان شان به قاب عکس ها خیره می شوند و اشک می ریزند، درختان می خشکند، گل ها از رویدن می مانند، کودکان با هاوان کشته می شوند و رویای کودکان و شیطنت های کودکی شان با شلیک هاوان های پی در پی طالبان روی شهرشان از بین می رود. در تمام مناطق جنگی، کودکان بیشترین قربانی را می دهند. آن ها یا کشته می شوند یا در نبود شهری آرام مکان بازی و بازی های شان را از دست می دهند و یا مکتب شان که روزی در آن با صدای بلند الفبا را حفظ می کردند و صدای دل نواز ورق های کتاب شان که با عبور دستان شان از لای کتاب به وجود می آمد، از بین می رود و همه جا را سکوت می گیرد. پس از جنگ نه کودکی برای آموزش می رود و نه دروازه مکتبی به روی کودکان باز می شود. دختران با صدای مرمی ها قد می کشند و فهرست کشته ها طویل تر می شود.

نبیلا حسنی یکی از قربانیان جنگ است؛ قربانی هاوان شلیک شده طالبان که قلبش را از کار می اندازد و کنار پدرش چشمان بادامی و زیبایی بسته می شود. او مانند صدها کودک این کشور، کودک جنگ است و از یک نسل سوخته، نسلی تازه رویده که می سوزد و کم کم از بین می رود.

نبیلا دوازده سال سن داشت. هنوز از دیدن لذت می برد، عروسک هایش را که پدرش ساخته بود دوست داشت، دلخوشی اش چوری های رنگارنگش بود که با رقصیدنش به صدا در می آمد و او می خندید. پدرش را دوست داشت. همیشه می خندید و با بازی گوشه هایش راه طولانی مکتب را برای دوستانش کوتاه می کرد. چشمان سیاه و بادامی داشت، با موهای تاب خورده و سیاه رنگ که روی شان هایش می لغزید. دانش آموز ممتاز لیسه عالی بی بی زهرا هوت قول ولسوالی جاغوری ولایت غزنی بود. استادانش به او لقب تندخوان را داده بودند؛ چون وقتی شعری را یک بار می خواند، فوراً حفظ می کرد و از روی متن کتاب نیز کسی به خوبی و درستی او نمی خواند. یکی از استادانش از نبیلا به عنوان دانش آموز نمونه یاد کرده و گفته است که جای خالی اش را با چه چیزی می تواند پر کند و یا صدای طنین خواندن شعرش که با زبان کودکان و شیرینش دکلمه می کرد، چگونه می تواند از این پس نشود.

نبیلا دیگر نبود و نیست. یکی از چوکی های صنف خالی است. دختران هوت قول یکی از نقش های بازی های شان را از دست داده اند، مادری در نبود دخترش با لباس های وی زنده گی می کند و هیچ طلوع آفتابی صورت نبیلا را نخواهد دید. نبیلا جایش خالی است، در چوکی مکتب، بین دوستانش و در آغوش مادرش.

عقربه ها می رقصند و زمان از دست می رود؛ اما چیزی گذشته است، کسانی نیستند و زنده گی هایی خاموش شده است. قصه هایی پایان یافته و دیگر هرگز آغاز نمی شود. هنوز لبه هایی بود که نخندیده بود، دل هایی که عاشق نشده بود، چشمانی که زیبایی را ندیده بود و هزاران پرسش بی پاسخ که می شود از لبان سرد زمان دانست، زمان بی رحم و بی وقفه می گذرد، مانند همان



**نبیلا حسنی یکی از قربانیان جنگ است؛
قربانی هاوان شلیک شده طالبان که
قلبش را از کار می اندازد و کنار پدرش
چشمان بادامی و زیبایی بسته می شود.
او مانند صدها کودک این کشور، کودک
جنگ است و از یک نسل سوخته، نسلی
تازه رویده که می سوزد و کم کم از بین
می رود.**

روزی که نبیلا رفت و طعمه هاوان طالبان شد. ساعت ۹ صبح، هشتم اسد، در حالی که صدای جوشان چشمه به گوش می آمد، گنجشک ها آواز می خواندند و آفتاب کم کم تمام قریه هوت قول را گرفته بود. نبیلا به قصد کمک به مادرش تعدادی از ظرف ها را با خود می برد تا در کنار چشمه بشوید. صدای دختران هم سن و سالش را می شنود، ظرف ها را می شوید و به قصد بازی به دختران ملحق می شود. بازی های دخترانه هر روزشان خانه بازی، گودی بازی، ریسمان بازی و دویدن بود. طبق هر روز، نبیلا مادر خانه می شود و شروع به بازی می کنند. عروسک های چوبی که با پارچه های رنگارنگ پیچیده شده بود، دل خوشی بزرگی برای نبیلا و دختران هم سالش بود. مصروف بازی بودند که با برخورد اولین هاوان، صدای مهیبش مردم را می ترساند و همه کوشش می کنند خود را در جای امنی پنهان کنند. نبیلا و دیگر دختران از ترس عروسک ها و اسباب بازی های شان را رها کرده و به سمت خانه فرار می کنند. وقتی نبیلا به خانه می رسد، پدرش را نمی بیند. فوراً از خانه بیرون می شود تا به دنبال پدرش برود.

حسن، پدرکلان نبیلا که آن روز در کنار حویلی مصروف گل کاری و باغداری بوده، می گوید: «پدر نبیلا آن روز سر زمین رفته بود تا آب بدهد. راستش پدرش یعنی پسر هوش درست نداشت؛ یعنی مشکل اعصاب و روان دارد. به همین خاطر نبیلا همیشه مواظبش بود. او روز هم مجبور شد رفت تا پدرش ره خانه ببارد. ده وقت آمدن، یک دفعه هاوان دوم که می خوره، هر دویش ره از پا می اندازد.»

نبیلا از دستان پدرش گرفته بود و به دنبال خود می برد تا هر دو سالم به خانه برسند. آفتاب به شدت بیش تر می تابید و پدرش اسرار داشت که می ماند تا زمین ها را آبیاری کند. نبیلا وسایلش را به پشت حمل کرد و از دست پدرش گرفت تا او را به خانه ببرد. یک باره با شلیک هاوان دوم به روی زمین های زراعتی، نبیلا و پدرش به زمین افتادند. با صدای شلیک هاوان دوم مردم قریه بیش تر رسیده بودند؛ اما این حالت تنها یک روز نبود، بلکه همیشه و هر روز با صدای انفجار شلیک هاوان یا مرمی می گذشتند. هاوان شلیک شده بود، لاشه اش میان خاک فرو رفته بود؛ اما نبیلا، دختر کوچک ۱۲ ساله زنده نبود. هاوان قلبش را ترکانده بود؛ قلبی که می خواست عاشق شود؛ قلبی که می خواست کتاب های بیش تر بخواند؛ قلبی که هر روز برای مادر و پدر بیمارش می تپید.

پدر نبیلا با چهره هایی که به بدنش خورده بود، زخم برمی دارد و هنوز در شفاخانه بستری است تا کاملاً صحت مند شود؛ اما چشمان کوچک و بادامی نبیلا در همان جا خاموش شد، خنده اش خشکید و کتاب هایش برای همیشه بسته ماند. زنده گی در جنگ، یعنی نبودن، یعنی احساس نکردن، یعنی مردن مکرر و هر روز دم پس نزدن.

انتقاد از انتقال جنراتورهای پایگاه بگرام به جلال آباد؛

آیا دولت مصارف این جنراتورها را تامین می تواند؟



شایق قاسمی

شماری از باشندگان و فعالان مدنی ولایت پروان از انتقال ۲۲ پایه جنراتور از پایگاه هوایی بگرام به ولایت ننگرهار به دستور رییس جمهور غنی شکایت می کنند و می گویند که پایگاه بگرام اکنون از طرف شب در تاریکی فرو می رود.

شفیع مشفق، رییس بورد نهادهای جامعه مدنی ولایت پروان، در گفت و گو با روزنامه ۸ صبح می گوید که با وجود سرازیر شدن میلیاردها افغانی در ولسوالی بگرام و مستقر شدن هزاران نیروی خارجی در این ولسوالی، مرکز آن به برق دسترسی ندارد. آقای مشفق می افزاید که باشندگان پروان انتظار داشتند از این جنراتورها برای روشن سازی خانه های آنان استفاده می شد، نه جای دیگر. به گفته وی، در حالی که ضرر حضور نیروهای خارجی در پروان را باشندگان ولایت های شمال کابل متحمل شدند، اما رییس جمهور غنی خلاف خواست مردم، این جنراتورها را به ننگرهار انتقال داد. پایگاه بگرام در حدود ۴۰ کیلومتری شمال کابل موقعیت دارد. پایگاه بگرام در دهه ۱۹۵۰ توسط ایالات متحده امریکا ساخته شد تا سنگری در برابر اتحاد جماهیر شوروی پیشین باشد، اما

عطاوالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار، می گوید که این جنراتورها با ظرفیت تولید ۱۰.۵ میگاوات برق به ننگرهار رسیده است. به گفته آقای خوگیانی، این جنراتورها برای استفاده در این ولایت توسط غلام حیدر فقیرزی، رییس شرکت برشنا در ننگرهار، نصب و به بهره برداری سپرده شده است. سخنگوی والی ننگرهار افزوده است که برای این جنراتورها از مرکز تیل نیز خواسته شده است.

در عین حال یک منبع از شرکت برشنا که نمی خواهد نامش در گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که هزینه یک ماهه این ۲۲ پایه جنراتور حدود دوونیم میلیون دالر تخمین شده است. این منبع می گوید که در حال حاضر نیز شمار زیادی از این جنراتورها در بگرام باقی مانده است، اما دولت توان تامین مصارف این جنراتورها را ندارد.

به گفته منبع، پایگاه هوایی بگرام به ۶۴ میگاوات برق نیاز دارد و دولت تلاش می کند این مقدار برق را توسط شرکت برشنا تامین کند. در همین حال عمراحمد پروانی، استاد دانشگاه و از فعالان سیاسی پروان، در گفت و گو با روزنامه ۸ صبح می گوید که در نزد بسیاری از شهروندان کشور به ویژه باشندگان ولایت پروان، این پرسش خلق شده است که چرا جنراتورهای



پس از هجوم نیروهای شوروی به افغانستان در ۱۹۷۹، به مرکز اصلی این نیروها تبدیل شد و قشون سرخ در یک دهه اشغال افغانستان این پایگاه را توسعه دادند. امریکا هنگام سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱، این پایگاه را از نیروهای ایتلاف شمال به دست گرفت. بگرام پس از سال ها جنگ ویران شده بود، اما امریکایی ها این پایگاه را بازسازی کردند و سرانجام گستره آن به حدود ۷۰ کیلومتر مربع رسید.

پایگاه هوایی بگرام در یازدهم سرطان سال روان از حضور نیروهای خارجی تخلیه شد. یک هفته پس از تخلیه این مرکز، محمد اشرف غنی، رییس جمهور، به میدان هوایی و پایگاه نظامی بگرام رفت و گفت که به ارزش سه میلیارد دالر در این میدان سرمایه گذاری شده است. آقای غنی در این سفر خود گفت که برای انتقال و جابه جاسازی وسایل و تجهیزات میدان هوایی بگرام یک هیات بین الوزارتی سکرتور امنیتی بررسی خود را انجام دهد تا تجهیزات منقول و غیر منقول مشخص شود. او گفته است که پس از اولویت بندی، اقدامات لازم در این خصوص صورت گیرد.

پس از این سفر رییس جمهور با صدور حکمی، انتقال ۲۲ جنراتور بزرگ از پایگاه بگرام به ننگرهار منظور کرد. دیر بخش ویدیو: محمد نصیر کاوشگر خبرنگاران: عبدالاحد حسینی، محمد حسین نیک خواه، خلیل رسولی، شکیبا سعیدی، الیاس طاهری، احمد شاه شاداب، محمد زمان سهیل، نیاز الله اصیل، شمیم فروتن شایق قاسمی، بهروز خاوری، معصومه عرفان، اعجاز الحق سامی، زهرا عطایی ع. نظری، اسحق علی احساس رضا مرادی



sanjarsohail@yahoo.com
mujib_mehrdad@yahoo.com
8am.daily@gmail.com

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: مجیب مهرداد
سر دبیر: خلیل اسیر
گزارشگر تحقیقی: حبیب بهش
دیر بخش ها: حسین حیدری
دیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دیر بخش صلح: آسیه حمزه ای
دیر رسانه های اجتماعی: نور علی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af



آتش سوزی بی سابقه و سیلاب در روسیه

دامنه حریق جنگلات در روسیه روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود؛ به همین دلیل در شهر ساروف، که مرکز تحقیقات هسته‌ای روسیه در آنجا است، وضعیت اضطراری اعلام شده است. در بخش دیگر این کشور مبارزه در برابر سیلاب جریان دارد.

به گزارش دویچه‌وله، شهرداری ساروف گفته است که دامنه حریق در منطقه نیژنی نوفوگوراد در حال گسترش است و از همین خاطر اعلام وضعیت اضطراری ضروری است تا نیروهای بیشتر برای خاموش ساختن حریق بسیج شده بتوانند. در این شهر مرکز تحقیقات هسته‌ای روسیه قرار دارد.

محل‌ات زیاد دیگری نیز در معرض خطر آتش‌سوزی قرار دارند، به‌ویژه منطقه یاقوتستان در سایبریا در شمال شرق روسیه با خطر جدی روبه‌رو است. در آنجا ده‌ها خانه طعمه حریق شده است.

تصاویر تلویزیون دولتی روسیه نشان می‌دهد که در مناطق ایرکوتسک و کراسنویارسک در سایبریا، سراسر شهرها را دود فرا گرفته است.

طبق اطلاعات مقام‌ها، روز یکشنبه، ۱۷ اسد، حدود ۳،۵ میلیون هکتار زمین در سراسر روسیه در آتش می‌سوخت. براساس گزارش‌های رسمی، روز شنبه در ساحه ۱،۳ میلیون هکتار زمین عملیات آتش‌نشانی جریان داشت. این عملیات گویا نخست در ساحاتی صورت می‌گیرد که نزدیک به مناطق مسکونی است.

گریگوری کوسکین، کارشناس سازمان حامی محیط زیست گرین پیس، از بدترین آتش‌سوزی جنگلات در تاریخ ثبت وضعیت آب و هوا در روسیه سخن گفته است. سیلاب ویرانگر

در عین حال پس از بارنده‌گی‌های شدید در منطقه هم‌مرز با چین، در دو طرف رودخانه بزرگ آمور، مقام‌های روسیه در برابر سیلاب مبارزه می‌کنند. به گفته این مقام‌ها، بیش‌تر از ۸۰ کیلومتر جاده و ۶ پل زیر آب فرو رفته و ارتباط ۲۴ روستا در این منطقه با خارج قطع شده است.

توله شیر یخ‌زده ۲۸ هزارساله با بدن سالم در سایبریا کشف شد

امریکا و بریتانیا را به‌سختی متعجب کرد. لادال، استاد ژنتیک تکاملی در مرکز دیرینه‌شناسی استکهلم، به یورونیوم می‌گوید: «این به طرز شگفت‌انگیزی خیره‌کننده بود. شما فکر می‌کنید که ممکن است چیزی پیدا کنید، اما نه چیز ۲۸ هزارساله‌ای که انگار فقط دو روز از مردنش گذشته است.»

محققان به‌شکل بسیار محتاطانه توله شیر را از درون غار خارج کردند و قبل از آن‌که با اسکن کامپیوتری به بررسی وضعیت استخوان‌ها و بافت آن‌ها بپردازند، جسد حیوان را از نظر سیاه‌زخم آزمایش کردند. بیماری‌های عفونی نظیر سیاه‌زخم می‌توانند هزاران سال در وضعیت خفته و غیرفعال باشند و ناگهان با ذوب شدن یخ‌ها و دمای طبیعی فعالیت را از سر بگیرند.

پژوهشگران می‌گویند این دو توله تنها یک تا دو ماه سن داشته‌اند و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که آن‌ها توسط یک شکارچی کشته شده باشند. حدس زده می‌شود این حیوانات ممکن است سقوط کرده باشند یا در باتلاقی افتاده و در گل‌ولای مدفون شده‌اند.

دانشمندان می‌گویند ممکن است در آینده یک عمل کالبدشکافی روی حیوان انجام دهند تا بتوانند جنبه‌هایی نظیر محتویات شکم توله‌ها و توالی ژنتیکی آنان را به‌طور کامل بررسی کنند.

مطالعه جسد این توله شیر می‌تواند هم‌چنین سرخ‌های مهمی درباره تکامل شیر غارتشین اوراسیایی به دست بدهد.

دانشمندان می‌گویند توله شیر غارتشینی که پیش‌تر در تونلی تاریک در دل یک غار یخ‌زده در اعماق سایبریا یافت شده است، ۲۸ هزار سال قدمت دارد.

به گزارش یورو نیوز، این توله شیر به‌صورت اتفاقی در اوایل خزان ۲۰۱۸ توسط یک شکارچی عاج ماموت کشف شده بود. او پس از مشاهده این شیر با محققان شعبه سایبریای آکادمی ملی روسیه تماس گرفت و آن‌ها اکیپی را برای مشاهده جسد این حیوان به ساحل رودخانه ایندیگرکا اعزام کردند.

پژوهشگران در آن‌جا یکی از زیباترین حیوانات عصر یخبندان را که تا کنون کشف شده، پیدا کردند؛ یک توله شیر که به طرز خارق‌العاده‌ای سالم مانده بود و دندان‌ها، پوست، پنجه‌ها و سبیل‌هایش هنوز بعد از گذشت ۲۸ هزار سال همانند روز مرگ بود. این توله که «اسپارتا» نامیده شده است، تنها ۱۵ متر دورتر از یک توله شیر در غار دیگر به اسم «بوریس» پیدا شد که مردم محل سال قبل آن را کشف کرده بودند.

در ابتدا تصور می‌شد که این دو توله خواهر و برادر هستند، اما پس از آزمایشات ژنتیک و عمرشناسی مشخص شد این دو با یکدیگر ۱۵ هزار سال اختلاف سن دارند.

قدمت شیرهای غارتشینی به ۶۰۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. این جانوران با این حال حدود ۱۴ هزار سال پیش منقرض شدند و به همین دلیل باور مشاهده یک عدد سالم از آن‌ها امری بود که دیرینه‌شناسان تیم تحقیق، متشکل از دانشمندان کشورهای روسیه، جاپان،



امریکا بر بام والیبال زنان جهان

تیم ملی والیبال زنان امریکا برای نخستین بار موفق به کسب مدال طلا در المپیک شد. در فینال مسابقات والیبال زنان المپیک توکیو، والیبالیست‌های ایالات متحده امریکا در برابر تیم مدعی کسب جام، برازیل، با نمایشی خیره‌کننده با نتیجه سه بر صفر به پیروزی رسیدند و برای اولین بار گردن‌آویز طلایی المپیک را بر گردن آویختند.

به گزارش صدای امریکا، تیم ملی امریکا با نتایج ۲۵-۲۱، ۲۵-۱۴ در مدت یک ساعت و ۲۲ دقیقه نسخه برازیل را پیچید و بر سکوی اول قهرمانی ایستاد.

تیم امریکا به‌عنوان تیم دوم رنکینگ فدراسیون جهانی در گروه بی رقابت‌های المپیک با تیم‌های چین، ترکیه، آرژانتین، روسیه و ایتالیا هم‌گروه شد. این تیم در دو دیدار نخست مرحله گروهی سه بر صفر آرژانتین و چین را برد، در سومین میدان، سه بر یک ترکیه را از پیش رو برداشت، ولی در مقابل روسیه سه بر صفر تسلیم شد. تیم بانوان امریکا در آخرین بازی مرحله گروهی سه بر دو از سد ایتالیا گذشت تا با چهار برد و یک باخت به‌عنوان صدرنشین راهی مرحله حذفی شود.

در مرحله یک چهارم نهایی با نتیجه قاطع سه بر صفر تیم چهارم گروه اول، تیم جمهوری دومینکن، را از پیش رو برداشت تا در نیمه‌نهایی حریف صربستان شود.

شاگردان کراچ کیرالی با برتری سه بر صفر مقابل صربستان، فینالیست سی‌ودومین دوره بازی‌های تابستانی المپیک شدند. این تیم در فینال نیز مقابل برازیل، قهرمان المپیک‌های ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن، قوی‌تر از گذشته بود و با هفت برد و یک باخت بر بام والیبال جهان ایستاد. صربستان نیز با برد سه بر صفر مقابل کوریای جنوبی به مدال برنز رسید.

امریکا در چهارده بار حضور خود در المپیک، سه بار به مدال نقره رسیده است. در المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس، ۲۰۰۸ پکن و ۲۰۱۲ لندن سه نشان نقره دریافت کرد، ضمن آن‌که دو مدال برنز ۱۹۹۲ بارسلون و ۲۰۱۶ ریو را نیز در کارنامه دارد؛ ولی زنان امریکا پس از ۵۷ سال برای نخستین بار با هدایت کراچ کیرالی، به نشان رنگین طلایی رسید.

مری موفف کراچ کیرالی که با سه مدال طلایی المپیک‌های ۸۴ لس‌آنجلس، ۸۸ سنول و ۹۶ اتلانتا، خود از پرافتخارترین بازیکنان والیبال جهان است، در المپیک ۲۰۱۲ لندن به‌عنوان مربی بانوان امریکا به مدال نقره رسید و در المپیک ۲۰۱۶ ریو در کسوت سرمربی به مدال برنز دست یافت.

در حالی که تیم ملی والیبال مردان امریکا در این دوره المپیک حتا از گروه خود صعود نکرد، از کیرالی به‌عنوان گزینه اصلی نیم‌کت تیم مردان و جانشینی جان اسپرا نام می‌برند.

گفتنی است که تیم ملی والیبال ساحلی امریکا متشکل از آپریل راس و الیکس کلینمن نیز به مدال قهرمانی المپیک توکیو دست یافت.

طلای بانوان، صعود در جدول این مدال، سی‌ونهمین مدال طلای کاروان ورزشی امریکا در المپیک توکیو بود؛ مدالی که امریکا را در جدول رده‌بندی بالاتر از چین، در رده نخست نگاه داشت.

جان‌باختن ۵۴۲ نفر در یک روز؛ ثبت بی سابقه جان‌باخته‌گان کرونا در ایران

در نظر داشت تا با استفاده از واکسین‌های ساخت داخل و واکسن‌های چینی و روسی برنامه واکسیناسیون را پیش ببرد؛ برنامه‌ای که حتا به ادعای آقای خامنه‌ای موفق نبوده و باعث نارضایتی بسیاری از مردم ایران شده است.

با گذشت بیش از یک‌سال‌ونیم از آغاز همه‌گیری کرونا، مقام‌های بهداشتی ایران هنوز نتوانسته‌اند سیاست منسجم و روشنی برای مقابله با این بیماری در پیش بگیرند.

بخش بزرگی از جمعیت ایران هنوز واکسین نشده‌اند. روز یکشنبه اعلام شد که ۳۳۶ شهر ایران از نظر خطر ابتلای شهروندان به کرونا در وضعیت سرخ، ۸۴ شهر در وضعیت نارنجی و ۲۸ شهر در وضعیت زرد هستند.



است.»

اوج گرفتن بیماری کرونا در ایران در شرایطی است که علاوه بر کمبود منابع صحی برای رسیده‌گی به بیماران، گزارش‌های مختلف نشان‌دهنده کمبود و افزایش قیمت داروهای مختلف مورد نیاز برای مقابله با این بیماری است.

در عین حال ابراهیم ریسی، رییس جمهور ایران، روز یکشنبه «با حضور در یک مرکز درمانی، نخستین دوز واکسین ایرانی کرونا را دریافت کرد». محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهور اسبق ایران، ادعا کرده است که مقام‌های جمهوری اسلامی از همان واکسین‌هایی زده‌اند که ورود آن را به کشور ممنوع اعلام کرده‌اند.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، با ممنوع کردن ورود واکسین‌های امریکایی و بریتانیایی

شمار جان‌باخته‌گان بیماری کرونا در ایران روز یکشنبه، ۱۷ اسد، به رقم بی‌سابقه رسید، به‌طوری‌که در این روز ۵۴۲ نفر جان دادند و مجموع جان‌باخته‌گان ویروس کرونا در آمار رسمی ایران به ۹۴ هزار و ۱۵ نفر رسید.

به گزارش صدای امریکا، وزارت بهداشت ایران روز یکشنبه وجود ۳۹ هزار و ۶۱۹ بیمار جدید ابتلا به ویروس کرونا در کشور را در فاصله زمانی ۱۶ اسد تا ۱۷ اسد تایید کرد. بسیاری از کارشناسان در مورد آمار رسمی موارد ابتلا به کرونا در ایران ابراز تردید کرده‌اند و آمار واقعی را بسیار بیش‌تر از آمار اعلام شده می‌دانند. رکوردهای تازه که نشان‌دهنده تداوم بحران کرونا در ایران است.

در ولایت فارس، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، روز یکشنبه به نقل از مهرزاد لطفی، رییس دانشگاه علوم پزشکی شیراز از «تکمیل ظرفیت بخش‌های کووید بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در شیراز» خبر داد و نوشت: «مراجعه بیش از سه هزار مورد به مراکز ۱۶ ساعته و بیش از ۱۰۰ ماموریت اورژانس برای انتقال بیماران با علائم کووید-۱۹ طی ۲۴ ساعت گذشته یک رکورد است.»

در ولایت خوزستان، خبرگزاری ایسنا به نقل از فرهاد سلطانی، معاون درمان دانشگاه طبی جندی شاپور اهواز اعلام کرد: «وضع خوزستان اصلا خوب نیست. در شفاخانه‌ها ازدحام شدید وجود دارد و شرایط بد